

تظاهرات گسترده ضد جنگ در تهران

زحمتکشان جنوب شهر تهران در تظاهرات روز ۲۱ فروردین در محله ۱۳ آبان

نفرت خود را از جنگ و از رژیم، با رساترین شعارها ابراز داشتند

هفته گذشته در روز چهارشنبه (۲۱ فروردین نیروهای سرکوبگر رژیم به تظاهرات مردم زحمتکش جنوب شهر تهران در محله ۱۳ آبان (کوی نهم آبان سابق) حمله برده و آن را به خون کشیدند. پیش از این تظاهرات، در شهرستانها نیز نفرت مردم از تداوم جنگ که جلوه‌ای از نفرت آنها نسبت به رژیم ارتجاعی و جنگ طلب خمینی است، نمودهای بارزی یافته بود. خبرهای رسیده از همدان، اراک، بروجرد، سوسنگرد، بروجن و چند شهر دیگر همگی از گسترده‌گی جنبش ضد جنگ، حکایت می‌کنند. تظاهرات مردم سوسنگرد در ۱۹ اسفند و تظاهرات مردم اراک در ۲۶ اسفند و حرکت‌های مردم در دیگر شهرستانها با یورش و حشایشانه مزدوران حکومتی مواجه گردید. در بروجن تعداد زیادی از مردم به دلیل

بروز حرکت‌های ضد جنگ در این شهرستانها، از سوی ارکان‌های حکومتی دستگیر شدند. در خرم‌آباد و بروجرد نیز دستگیری‌های وسیعی صورت گرفته است. خشم مردم نسبت به جنگ طلبی رژیم از یک سو و از سوی دیگر کینه بی‌پایان رژیم نسبت به مردم و نسبت به شعار صلح، که اکنون بیاتر مبرمترین خواسته مردم است، در تظاهرات روز چهارشنبه ۲۱ فروردین در محله زحمتکش نشین ۱۳ آبان، تجلی آشکاری یافت. چندین هزار نفر از مردم این محله و محلات مجاور آن پیاختنند و یک صد افریاد مرگ بر جنگ و ننگ بر رژیم را سردا دادند. تظاهرات به دنبال قتل یک جوان به دست یک پاسدار مزدور، روز ۲۱ فروردین، آغاز شد. این بقیه در صفحه ۲



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۴ برابر ۱۵ آوریل ۱۹۸۵
شماره ۴۰ - سال دوم - شماره ۵۲

تظاهرات تهران در رسانه‌های رژیم

سخنکوبان دولتی، فدائیان خلق را
از سازمانگران تظاهرات اعلام داشتند

رسانه‌های تبلیغی رژیم خمینی پس از چند روز سکوت دیروز ناگزیر شدند با تاکید بر نقش فدائیان خلق به رویدادهای بزرگ جنوب تهران اشاره نمایند. بازتاب گسترده اخبار مربوط به این تظاهرات توسط مردم و نقش فعال و افشاکرانه فدائیان در تهران و سراسر کشور، ادامه سکوت رژیم را پیرامون این رویداد مبارزاتی بزرگ ناممکن کرده بود و آنها را ناچار ساخت خیر از "اغتشاشاتی" بدهند که جنوب تهران را فرا گرفته است.

در روز شنبه سالک یکی از سرکوبگران اصلی رژیم خمینی و سرپرست کمیته‌های کشور، در سومین سمینار فرماندهان کمیته‌ها، در حالیکه از ضرورت هماهنگی تمامی ارکان‌های سرکوب، سپاه، کمیته، شوربانی و... سخن می‌گفت به مبارزات زحمتکشان محله ۱۳ آبان پرداخت. مطبوعات حکومتی در روز گذشته بخشهایی از سخنان او را منعکس کردند و نمایندگان مجلس فرمایشی نیز پیرامون آن به اظهار نظر پرداختند.

طبعاً همه ارکان‌های تبلیغی و سخنگویان حکومتی تقلا کردند تا این اقدام انقلابی زحمتکشان جنوب تهران را تخطئه نمایند. اما واقعیات چنان تابناک بود که حتی این دروغپردازان حرفه‌ای را هم یارای انکار همه آنها نبود.

رسانه‌های رژیم علاوه بر اینکه به وقوع بقیه در صفحه ۲

تازه‌ترین ددمنشی رژیم در زندان اوین

در صفحه ۷

مسائل انقلاب و مواضع ما

نگاهی کوتاه به جنبش اعتصابی در کشورهای سرمایه‌داری

در آستانه اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر قرار داریم. در حالی که در کشورهای سوسیالیستی که طبقه کارگر قدرت را در دست گرفته است، کارگران خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر جشن خود آماده می‌سازند، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری درگیر پیکارهای طبقاتی بردامنه‌ای با بورژوازی و سیاست‌های ضد کارگری آن است. آخرین نمونه رویارویی حاد و گسترده طبقه کارگر در برابر سرمایه‌داری، اعتصاب همگانی دانمارک است که برای تحقق هفته کار ۲۵ ساعته آغاز شد و علی‌رغم تصویب قانونی برای پایان دادن به آن، هنوز ادامه دارد. علاوه بر دانمارک، طی ماه‌ها و سال‌های اخیر بسیاری از کشورهای پیشرفته

بقیه در صفحه ۱۱

سومین شماره "مسائل انقلاب و مواضع ما" نوشته رفیق فرخ‌نکهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد. رفیق نکهدار در این جزوه به پرسش‌هایی چند پیرامون مسائل کنونی انقلاب و میهن و نیز برخی از مسائل مهم جهانی پاسخ می‌دهد. این سئوالات به ترتیب عبارتند از:
* در مقابل جنگ تکلیف مردم چیست؟
* نظر شما در مورد خمینی چیست؟
* امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا در مقابل ایران از کدام سیاست پیروی می‌کنند؟
* موقعیت کنونی سازمان چگونه است؟
* کدام نیرو امکان و صلاحیت بدست گرفتن رهبری انقلاب را داراست؟
* اهمیت چهلیمین سالگرد پیروزی برفاشیسم و پایان جنگ جهانی دوم و مذاکرات ایالات متحده و اتحاد شوروی درباره محدود کردن سلاحهای بقیه در صفحه آخر

در این شماره:

مصاحبه «اکثریت» با «تیسیر»

عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین
در صفحه ۸

مسابقه کشتار، هنوز هم ادامه دارد

در صفحه ۱۳

آنها که می‌خواستند کمونیسم را ریشه کن سازند...

در صفحه ۱۰

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان

میعادگاه همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی

در صفحه ۱۴

رساتر باد فریاد اعتراض جهانی

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران!

درک می‌کنند و به وظایف انقلابی خویش در عرصه‌های مختلف آشنایی دارند. آنان وظایف انترناسیونالیستی خود را با وظیفه خویش در ارتباط با وقایع و روند انقلاب ایران پیوند می‌زنند و پیش می‌برند. فدائیان خلق با برقراری محکم‌ترین مناسبات با نیروهای ترقیخواه جهان پرشورترین حمایت را از مردم ایران در مبارزه علیه ارتجاع حاکم برانگیخته‌اند. نیرومندترین و پیشروترین تشکل‌های دمکراتیک جهان و منبوعات مترقی هر روز بیشتر از پیش از مبارزات مردم ایران پشتیبانی می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

در اثر فعالیت‌های افشاکرانه فدائیان خلق، توده‌ای‌ها و دیگر نیروهای انقلابی اجتماعات، کنفرانسها و نشست‌های مردم پیشرو و ترقیخواه جهان پیش از پیش به عرصه محکومیت جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی نیز بدل می‌گردد. انقلابیون کمونیست ایران در خارج از کشور با شرکت در مبارزات طبقه کارگر و مردم سایر کشورها به انجام وظایف انترناسیونالیستی خود برای پیش برد مبارزه جهانی در راه صلح، همبستگی ضد امپریالیستی و... می‌پردازند. آنان با درک انقلابی خود، بخوبی ارتباط عمیق بین روندهای انقلابی در سراسر جهان را

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیریم!

نظارات گسترده ضد جنگ در تهران

زحمتکشان جنوب شهر تهران در نظارات روز ۲۱ فروردین در محله ۱۳ آبان، نقرت

خود را از رژیم، با سرتین شعارها ابراز داشتند

پیش از نظارات ۲۱ فروردین نیز چندین حرکت جمعی اعتراضی در تهران پیش آمده بود. از جمله در روز ۹ فروردین در خیابان زرین نعل به دنبال یک بمباران هوایی، مردم جمع شده و به شعار دادن علیه خمینی پرداختند. اما حرکت ۲۱ فروردین، در میان مجموع حرکت‌های اعتراضی، این ویژگی را یافت که سریع‌گسترش پیدا کرد و به سختی مهار شد.

نظارات ۱۲ آبان سریع‌در همه نقاط تهران و در شهرستانها انعکاس پیدا کرد. رژیم در هراس از فراگیر شدن آن هیچ خبری پیرامون آن انتشار نداد اما مردم دهان به دهان آن را برای همدیگر نقل کردند. بلافاصله بعد از نظارات، کمیته اپالنتی تهران سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت)، در این مورد اطلاعیه‌ای انتشار داد که در سطح وسیعی پخش شد. با تشدید بمبارانها فعالیت تبلیغی و سازمان‌کنانه فداییان خلق گسترش کم ماندی یافت. در طول این مدت اعلامیه‌ها و تراکت‌های کمیته مرکزی و هواداران سازمان تاثیر افشاگرانه بزرگی برجای گذاشت. در هفته‌های گذشته در همین محله ۱۲ آبان به دفعات اعلامیه‌های سازمان پخش گردیده بود. در حرکت اخیر نیز فعالین فدایی فداکاریهای شرفی از خود بروردادند.

در تهران از نخستین روزهای دور جدید جنگ، جنبش ضد جنگ نمودهای بارزی یافت مردم تهران در برابر حملات هوایی رژیم سفاک عراق بی دفاع مانده‌اند. پدافند هوایی اساسا چماران، کاخهای دیروز و بارگاههای امروز و مراکزی نظیر رادیو و تلویزیون و فرودگاه رازی پوشش دارد. مردم تهران همچون مردم بسیاری از شهرستانهای غربی، جنوبی و مرکزی کشور در یک ماه و نیم اخیر مدام در حال اضطراب به سر می‌برند. هواپیماها می‌آیند، با فراغ‌بال در آسمان شهر جولان می‌دهند، بمب می‌ریزند و به راحتی می‌گریزند. تنها دقایقی بعد از بمبارانهاست که صدای ضد هوایی‌ها برمی‌خیزد. تنها تاثیر آنها افزودن بر وحشت و اضطراب مردم است. بعد از بمبارانها آژیرها به صدا در می‌آیند و رادیو از مردم می‌خواهد به پناهگاهها بروند. اما کدام پناهگاه؟ تهران و پناهگاه؟! جمعیت مترکم، خانه‌های کوچک و تنگ هم، که اکثرشان فاقد یک زیرزمین ساده نیز هستند، هدف خوبی برای هواپیماهای عراقی محسوب می‌شوند. مردم دیگر شبها خواب راحت ندارند. جنگنده‌های عراقی معمولاً بعد از نیمه شب سر می‌رسند و برای مردم کاری نمی‌ماند جز این که در کنج حیاطهای کوچکشان پناه گیرند. دیگر از ساعتی آسایش نیز محروم هستند. برخی‌ها در کوچه می‌خوابند. برخی‌ها اگر امکانش را داشته باشند

حدی بود که می‌خواستند سیل خون به راه بیندازند. آنها در طی یک درگیری بسیار شدید و خونین، عده‌ای را کشته، قریب به ۲۰۰ نفر را مجروح و صدها نفر را دستگیر کردند. هنوز از رقم دقیق کشته شدگان، اطلاعاتی در دست نیست.

پاسداران به شلیک کلوله متوسل گشتند، اما همچنان که در شعارهای مردم منعکس بود، مسلسل ارتجاع اثر نداشت. تنها بر خشم مردم افزود. مردم مستقیماً هیات حاکمه، خمینی و دستگاه خلافت ارتجاعی، ضد مردمی و ضد بشری وی را زیر ضرب شعارهای پرمصلابنشان گرفتند. مردم کاملاً از پاسداران خمینی انتظار هر گونه وحشی‌گری و درخیم صفتی را داشتند. آنها می‌دانستند که جمهوری اسلامی سر آن را دارد که ۱۷ شهریور رژیم سرنگون شده شاه را به گونه هولناکتری تکرار کند. مردم به جنگ و گریز پرداختند. از دل همه کوچه‌ها و خانه‌ها شعار برمی‌خاست. نظارات به محلات مجاور سرایت کرد. گروه‌های کثیری از زنان زحمتکش این منطقه جنوبی تهران که فعالانه در نظارات شرکت داشتند در بی دستگیری گسترده مردان نظار کننده به سوی کمیته محل رهسپار شدند. آنها برای مقابله با نفرات سرکوب با هر چه که می‌توانستند خود را مجهز کرده بودند. شعارهای انقلابی گروه زنان نظار کننده چنان خشم‌گین سر داده می‌شد که نفرات سرکوب را یاری مقابله نبود. نظار کنندگان پس از رسیدن به محل کمیته با درهای بسته و نفت‌های آماده روبرو گردیدند. آنها اخبار کردند که دستگیر شدگان در همان لحظه باید آزاد شوند. در برابر امتناع مسئولین کمیته آنها بطور یکپارچه به کمیته حمله بردند و درهای آژیرا گشودند. پس از تصرف ساختمان کمیته معلوم شد که رئیس کمیته دستگیر شدگان را به محل دیگری انتقال داده است. زنان زحمتکش در وینچره کمیته را شکسته، برخی از اتومبیل‌های آن را آتش زده و همه اثاثیه آن را به خیابان ریختند. خشم مقدس زنان کوی ۱۲ آبان جلوه‌ای از خشم بی‌کرانه همه مردم ایران را نسبت به رژیم خیانتکار به نمایش گذاشت. حرکت مردم کوی ۱۲ آبان تا پاسی از شب گذشته، ادامه یافت.

رویداده‌های آتش‌خشم مردم را شعله و ساخت دقایقی چند نکلاشت که نظارات گسترده‌ای شکل گرفت. مردم دسته دسته از زنان و مردان و جوانان و کودکان به نظارات ملحق شدند.

در کوی ۱۲ آبان از چند روز پیش، به طور مشخص زمینه برای نظار خشم مردم آماده بود. این محله مورد حمله هوایی قرار گرفته بود، بخشی از محله، از جمله خیابانهای شه‌یور ۷ و ۸ خراب شده بود، جمعی کشته و زخمی شده بودند و مردم همگی جامه عزابرتن داشتند.

آغاز حرکت سریع‌در سرتاسر محله پیچید. مردم به مقابله با پاسدارانی که برای مهار حرکت می‌کوشیدند، برخاستند. خشم مردم به حدی بود که جمعی از آنان فرار را بر فرار ترجیح دادند. بقیه نیز مژه خشم مردم را چشیدند و متواری شدند. و به شدت مضروب شدند. تعدادی از وسایل نقلیه پاسداران نیز به آتش کشیده شد.

مردم دم به دم بیشتر و بیشتر شدند. از محلات مجاور نیز زنان و مردان و جوانان و کودکان با شتاب خود را به ۱۲ آبان رساندند. بخشی از مردم در خیابان یادآوران جنب پل هوایی عبور پیاده متمرکز شدند. مردم بالای پل هوایی شعار می‌دادند و از ماشینها می‌خواستند چراغهای خود را روشن کنند. حرکات مردم و ابتکارات آنها روزهای انقلاب را به یاد می‌آورد.

نیروهای سرکوبگر رژیم در برابر مردمی که دم بدم انبوه‌تر شده و خشمشان جلوه‌های بارزتری می‌یافت، به راستی مستاصل شده بودند. آنها از کمیته‌های اطراف و دست آخر از کمیته‌ها و کلاکتربهای سرتاسر تهران کمک می‌طلبیدند.

در حدود ساعت ۵-۴ بعد از ظهر قریب به ۵۰۰ پاسدار موتورسوار به کمک واحدهای سرکوب آمدند. اما خشم مردم چیزی نبود که با ارباب و تهدید فرو بنشیند. دم به دم بر وحشی‌گری پاسداران مهاجم افزوده شد. نیروهای سرکوبگر رژیم که از مدت‌ها پیش مترصد آن بودند که با بروز حرکات ضد جنگ در محلات بمباران شده تهران، به روی مردم به جان آمده آتش بکشایند و مسلسل‌های خمینی را مکمل هواپیماهای صدام سازند، از هر سو به نظار کنندگان حمله می‌بردند. اما آنها علی‌رغم آمادگی‌های عمومی قبلی، به راستی غافلگیر شده بودند. بی‌سیم‌های آنها دم به دم صدای کرد: "نمی‌شود جلوی مردم را گرفت. نیروی کمکی بفرستید. نظارات به محلات دیگر کشیده می‌شود."

نیروهای سرکوبگر رژیم ضد مردمی خمینی که با پتک شعارهای کوبنده، خشم‌گین و بر خشم مردم روبرو بودند، سماجت را به اوج رسانده و به سوی مردم آتش گشودند تا بر دل مردمی که به تازگی بر اثر حملات هوایی صدام، داغدار شده بودند، داغهای تازه‌ای بنگارند. کمیته آنها نسبت به مردم به جان آمده به

علیه رژیم متحدشویسم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!
رژیم خمینی جوانان و همه چیز کشور را در آتش جنگ اهریمنی نابود می‌کند، خواهان و برادران انقلابی و آزادیخواه شما را در سیاه‌لها شکنجه و کشتار می‌کند.
رژیم خمینی خادم سرما به داران بزرگ و تجار غارتگر است؛ از حقوق شما می‌دزدد تا کیسه‌گشاسد آنان را برکند. این رژیم دشمن اتحاد و شکل شماست، مدافع آزادی کلان سرما به داران است.
رژیم خمینی خدمتگزار بزرگ مالکان است، به زور سر نیزه زمین دهقانان را می‌گیرد و به خانها و اربابها بازمی‌گرداند. شما رژیم شاه را سرنگون کردید، شما ستون اصلی مبارزه علیه رژیم هستید. متحد و متنکل شوید و سلاح اعتماد را علیه رژیم بکاراندا زید، مقاومت رژیم را درهم شکنید.
برای استقرار صلح و آزادی، برای تامین کار و ممکن. برای برانداختن گروانی و آوارگسی علیه رژیم متحدشویسم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت)

به روستاها و شهرستانهای دوردست کوچ می کنند. جنگ نیز که تنها بمباران نیست. گرانی کمر شکن فیز هست، صفهای طولیل نیز هست، به دوش کشیدن نعش عزیزانی که در جبهه ها کشته می شوند نیز هست. در این میان هیچ چیز مثل نعره های " جنگ، جنگ تا پیروزی " سرکردگان رژیم مردم را به خشم نمی آورد.

رفسنجانی، این خیانت پیشه مزدور در نماز جمعه ۹ فروردین، بمباران تهران را یک برکت دانسته بود. وی با بی شرمی تمام گفت: با این بمبارانها "تهرانی ها معنی جنگ را یک مقدار بهتر فهمیدند. تهران یک قدری در متن جنگ آمد." رفسنجانی در این سخنرانی وقیحانه، آشکارا از بمباران تهران ابراز خوشحالی کرد. او برای انطمینان خاطر دادن به اطرافیان و همپالنگی هایش اعلام کرد در تهران به زعم او رفاه زده "هیاهویی بلند نخواهد شد." همین عبارات نشان می دهند که رژیم چگونه تهران را روز حرکات توده ای گسترده در تهران بوده است.

تظاهرات بیست و یک فروردین پاسخی درخور به این باوه های رفسنجانی بود. مردم با این توده های محکم به رژیم، نشان دادند که آماده اند به نفرت خود نسبت به جنگ و حکومت پاسخ جمعی دهند، آنچه را که در محیطهای کار، در صف های نان و گوشت و نفرت بر زبان می آورند همه آن کینه و نفرتی را که قلبشان را آکنده است، در شعارهایی پر صلابت بیان داشته و در حرکت های گسترده به نمایش بگذارند. این حرکتها دیر زمانی است که آغاز شده اند و اکنون می روند که گسترده تر و همگانی تر شده و به کامل ترین جلوه جنبش ضد جنگ در میهن مایدل گردند.

مردم دیگر به نگرستان جوانان خود به جبهه ها بسنده نمی کنند، مردم دیگر به افشای جنگ طلبی رژیم در جمع های کوچکی نظیر صف های خرید ارزاق عمومی اکتفا نمی کنند، مردم به حرکت های گسترده رو آورده اند و این عاملی است که رژیم نمی تواند آنرا در محاسبات خود منظور نکند. اکنون مردم نیک دریافته اند که تنها اراده آنهاست که می تواند به جنگ پایان دهد. زحمتکشان جنوب تهران اراده همه مردم را به تجلی نهاده اند.



مردم باختران اجساد عزیزان خود را از زیر آوارهای بمبارانها بیرون می آورند.

علیه رژیم متحد شویم
به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

تظاهرات تهران...

بقیه از صفحه اول
تظاهرات بزرگ (۲۱ فروردین) اعتراف کردند، ناگزیر گردیدند که بپذیرند فدائیان خلق چه در محله ۱۲ آبان و چه در همه جای کشور در حرکات انقلابی مردم همراه و پیشاپیش آنان می رزمند. گذشته از این، مبلغین جمهوری اسلامی که همواره وقیحانه جنجال می کردند گویا حزب توده ایران را "ریشه کن" ساخته اند، توده ایها را نیز از جمله سازمانگران این حرکت معرفی کردند.

مطبوعات دولتی هم چنین سیمصد نفر از انبوه دستگیر شدگان را از فعالین سازمانها، حزب توده ایران و هم چنین مجاهدین خلق نامیدند. روزنامه اطلاعات در یکشنبه ۲۵ فروردین نوشت: "در اغتشاشات جنوب تهران سیمصد نفر از فدائیان (اکثريت)، توده ایها و منافقین دستگیر شدند."

علاوه بر این دیروز عده ای از اوباش حکومتی در حالیکه سوار موتور بودند، در چند خیابان تهران به حرکت در آمدند و شعارهای دولتی را تکرار کردند. از شعارهای اصلی آنها شعارهایی بود که علیه سازمان ما میدادند.

تاکید رژیم بر نقش سازمانگران فدائیان خلق در رویدادهای انقلابی کشور کمتر از دو ماه بعد از زمانی است که ریشهری "مقام امنیتی" خمینی با شعبده بازیهای روبه صفتانه کوشیده بود و انمود نماید که گویا به سازمان ما آسیب هائی رسانده اند. روشن بود که این تشبیه فقطرذیلانه که ابلهانه هم بود. حضور قدرتمند سازمان ما در همه عرصه های رژیم انقلابی در پیشاپیش مردم کار اینگونه آشفته گویان را زار کرده است.

اینک سالک از نقش فدائیان در تظاهرات بزرگ ۲۱ فروردین سخن می گوید، همچنانکه پیش از او ظاهری نماینده خمینی اعتصاب شکوهمند کارگران

ذوب آهن اصفهان را مرتب با عملکرد فدائیان خلق نامید و مسئولین منطقه مغان اعتصاب کارگران کشت و صنعت را نتیجه فعالیت فعالین سازمان ما اعلام کردند و یا در دورود راهپیمایی گسترده مردم را "کار فدائی ها" دانستند...

حقیقت اینست که نه فقط در محله ۱۲ آبان یا ذوب آهن اصفهان که در تمامی بینه کشور فدائیان خلق فعالانه در جهت سازماندهی مبارزه مردم علیه ارتجاع حاکم می رزمند. ما برای درهم شکستن ارتجاع حاکم بیباخته ایم. این همان راهی است که مردم در پیش گرفته اند. فدائی در هر جایی که هست در پیشاپیش مردم پرچم مبارزه را بردوش می کشد. تشدید فعالیت گسترده افشاگرانه و سازمانگران اعضا و هواداران دلیر سازمان ما در مبارزه علیه جنگ در هفته های اخیر که مردم بسیاری از شهرهای کشور زیر بمبارانها کشتار می شوند، توانمندی سازمان ما را در ایفای وظایفش نشان داده است. کثرت اعلامیه هایی که در یک ماه گذشته پیرامون همین امر توسط سازمان ما و هواداران منتشر شد تنها بخشی از گستره پهناور کار تبلیغی فدائیان محسوب می شود. پیش از تظاهرات (۲۱ فروردین)، المللا علیه کمیته مرکزی سازمان تحت عنوان "علیه جنگ، برای صلح، بیباخیزیم" در تبراژ وسیعی در تهران و شهرستانها پیش گردید. پس از کشتار مردم محله ۱۲ آبان توسط جلادان رژیم خمینی، المللا علیه کمیته ایالتی تهران نقش افشاگرانه عظیمی برجای نهاد. تراکت های سازمان با شعار "علیه جنگ، برای صلح، بیباخیزید" خیابان های شهرها را آذین بسته است. از این روست که در همه عرصه های مبارزه مردم علیه جنگ و علیه رژیم نام فدائی نلین اند از است.

سالک در سیمینار فرماندهان کمیته ها از نقش فدائی در محله سیزده آبان سخن می گوید. اما همه بینه میهن شاهد رژیم بیخبر فدائیان خلق در اتحاد مبارزه مردم علیه مردم علیه رژیم تبهکار خمینی است.

بمباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بی گناه ایران و عراق محکوم است جنگ باید بی درنگ پایان یابد!

این تپتر اعلامیه ای است که فعالین فدائی در تهران در تاریخ ۲۲ اسفند ۶۴ به دنبال آغاز دور جدید جنگ، انتشار داده اند. در بخشهایی از این اعلامیه که در سطح وسیعی در تهران پخش شد، چنین می خوانیم:

هم میهنان مبارز!

چهار سال و نیم از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می گذرد... سران خیانت پیشه جمهوری اسلامی هم چنان اصرار دارند که به قیمت ویرانی مملکت و با "گوشت دم توپ" فرار دادن مردم، تنور جنگ را گرم نگه دارند...

ادامه جنگ تا به امروز در آستانه عید نوروز، میلیونها تن از مردم ما را غدیده و عزادار کرده است. دیگر روزی نیست که عده ای از هموطنان ما زیر بمبارانهای وحشیانه رژیم عراق، خانه و کاشانه و با همه هست و نیست خود را از دست ندهند.

هم اکنون میلیونها تن از ساکنین تهران نیز، بادغدغه و اضطراب شبها را به صبح می آورند و هر آن نگران آنند که خانه بر سر خود و جگر گوشگانشان خراب شود. سران جمهوری اسلامی به جای مذاکره و تلاش برای پایان دادن به جنگ، تحت عنوان "مقابله به مثل" و در حقیقت به عنوان پاسخ جنایت با جنایت، کودکان و زنان و پیران و جوانان عراقی را به خاک و خون می کشند. آنها در حالی که خود در مکان های امن جاجوش کرده اند، در برابر بمبارانها رژیم جنایتکار عراق تنها کاری که برای مردم بی دفاع می کنند، آن است که از آنها بخواهند به پناهنده های مطمئن پناه ببرند. گویب آقایان نمی دانند که اکثریت مردم زحمتکش، با چه امکانات محدودی زندگی می کنند.

همشهریان، مردم مبارز!

شما خود می بینید که رژیم جمهوری اسلامی برای زندگی مردم، کوچکترین ارزشی قایل نیست. آنها دیوانه وار بر طبل جنگ می کوبند. نجات ما از وضع رقت بار کنونی در اتحاد ماست. متحد شویم. مطمئن باشیم که رژیم در برابر مبارزه یک پارچه ما کاری از پیش نخواهد برد... فریاد اعتراض خود را در هر جاکه هستیم و به هر شکل ممکن، علیه جنگ و رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بلند کنیم. از تهدید و ارعاب رژیم نترسیم، با کترش اعتراض و تظاهرات، مخالفت خود را با ادامه جنگ به نمایش بگذاریم.

ضوابط خدمت نیمه وقت بانوان

در اولین جلسه مجلس شورای اسلامی در سال جدید لایحه نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب دهم آذرماه ۱۳۶۲ به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

به موجب این قانون، زنان شاغلی که به صورت نیمه وقت در وزارت خانه ها و شرکت های دولتی خدمت نمایند، تنها نصف حقوق و مزایای خدمت تمام وقت خود را دریافت خواهند داشت و در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و دریافت پایه این گونه کارمندان نصف مدت خدمت نیمه وقت منظور و محسوب خواهد شد. این گونه کارمندان از دریافت فوق العاده اضافه کار ساعتی و فوق العاده روزانه محروم خواهند بود و سنوات خدمت و ارتقای گروه آنها نصف سابق تجربی مقرر در طرح طبقه بندی مشاغل، محاسبه خواهد گردید.

در صورتی که این گونه کارمندان نیمه وقت بخواهند مجدداً به عنوان تمام وقت به کار خود ادامه دهند، می بایست موافقت موسسه مربوطه را جلب نمایند. موافقت بر اساس تشخیص ضرورت خواهد بود.

این لایحه کام دیگری در جهت حذف زنان از عرصه جامعه است. کارمندان زن زیر فشار قرار دارند تا به صورت نیمه وقت در آیند و بعد به بهانه "عدم وجود ضرورت" به کار آنها پایان داده شود.

تبلیغ برای جذب پول در بانکها

مبادلات پولی در بانکهای جمهوری اسلامی در مجموع در یک حالت رکود قرار دادند. بدنبال اجرای قانون اسلامی کردن بانکها بر میزان رکود فعالیت های بانکی افزوده شده است. صندوق شعبات بانکها بعضاً آنچنان از پول خالی هستند که مشتری قادر نیست پول خود را وصول کند و باید از چند ساعت تا چند روز معطل بماند. گاه سر برج که می شود بانکها قادر نیستند حقوق کارمندان را نیز بپردازند. آنها ناچارند در صف بایستند تا شاید به بانک پول واریز شود و بانک برای پرداخت حقوقشان پول داشته باشد. کارمندی یکی از شعبات متوسط بانک ملی در نامه ای برای نشریه ما نوشته است که در طی ۶ ماه اول امسال در شعبه آنها ۱۵۰ حساب بسته شده و در عوض تنها ۱۰۰ حساب جدید افتتاح گردیده است.

کم پولی بانکها به صورت نبود اسکناسهای درشت در آنها نیز نمود دارد. بعضاً برای دریافت تنهادهای سه هزار تومان پول از بانک باید یک کیف بزرگ نیز همراه داشت تا بتوان اسکناسهای ده تومانی و بیست تومانی را حمل کرد.

دولت به شکلهای مختلف تلاش دارد به صندوق بانکها پول جذب کند. وادار کردن مردم به سپردن پول به بانکها برای قرعه کشی پیکان گرفته تا سفرهای زیارتی، یکی از تمهیدات رژیم برای رفع این مشکل است. اخیراً آگهی هایی نیز در روزنامه ها به چاپ می رساند که یادآور تبلیغات بانکها در رژیم پیشین است. در این تبلیغات بانکها وعده می دهند که به مشتریهای خود جوایزی اعطا نمایند.

شیخ خلیفه آل ثانی دیدار داشت. بعد از این دیدار گفته شد دبیرکل سازمان ملل یک برنامه ۸ ماده ای برای پایان دادن به جنگ را با مقامات رژیم ایران در میان گذشته است که آنان مواد مربوطه قطع سریع حمله به شهرها و کشتی ها و تضمین آمد و رفت هوایی و دریایی را در این برنامه پذیرفته اند ولی با ماده مهمی که به آتش بس کلی اختصاص داشته است، مخالفت کرده اند.

خاویز پرزد و کوئینار در بغداد با صدام حسین و طارق عزیز دیدار داشت. طارق عزیز بعد از مذاکره با وی هنگام مشایعت دبیرکل سازمان ملل در فرودگاه بغداد اظهار داشت که جنگ ادامه خواهد یافت. خاویز پرزد و کوئینار در رابطه با سفر خود به تهران و بغداد گفت شکاف بین دو کشور تقلیل نیافته است، ولی او وظیفه خود می داند به تلاشهایش ادامه دهد. وی در سر راه خود به نیویورک در فرودگاه هیتروری لندن با ریچارد لوس وزیر امور خارجه میانه ای کابینه تاجر ملاقات کرد.

در هفته گذشته ابراز مخالفت مردم با تداوم جنگ نمود بارزی یافت. روز چهارشنبه ۲۱ فروردین تظاهراتی در مرحله ۱۲ آبان تهران صورت گرفت که با سرکوب وحشیانه پاسداران خمینی مواجه گشت. در جریان سرکوب این تظاهرات گسترده تعدادی کشته و عده زیادی زخمی و دستگیر گردیدند.

دیدار معاون وزارت خارجه ج.ا. با آندره ئی گرومیکو

روز شنبه ۱۷ فروردین کاظم پور اردبیلی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با آندره ئی گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مسکو دیدار کرد. به گزارش خبرگزاری تاس وی در این دیدار مواضع معلوم جمهوری اسلامی در جنگ با عراق را تکرار کرد و گرومیکو بر ضرورت برقراری صلح بین دو کشور ایران و عراق و نیز ضرورت حسن همجواری بین دو کشور ایران و شوروی تأکید کرد.

مشاور عالی ضیا الحق در تهران

روز شنبه ۱۷ فروردین فرستاده ویژه ضیا الحق برای ملاقات با مسئولین رژیم جمهوری اسلامی وارد تهران شد. وی در دیدار با خامنه ای پیام ضیا الحق را به وی تسلیم کرد. مضمون این پیام فاش نشده است. مشاور عالی ضیا الحق با ولایتی نیز دیدار نمود. در این دیدار بر لزوم توسعه مناسبات دو کشور تأکید شد. قرار است به دعوت صاحب زاده یعقوب خان، وزیر امور خارجه پاکستان، ولایتی به این کشور سفر کند.

نحوه رسیدگی به پیرونده کارمندان متخلف

کم کاری در ادارات که نمودی از ناراضیاتی نسبت به جمهوری اسلامی است، مقامات رژیم را به گرفتن تصمیمات تازه ای واداشته است.

به موجب دستور دادستان کل کشور "پرونده کارمندان متخلف و خاطی به منظور تعیین تکلیف نهایی، خارج از ثبوت در محاکم دادرهای انقلاب اسلامی، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت."

از رویدادهای ایران

فشرده اخبار جنگ

روز شنبه هفته گذشته عراق به پانزدهمین حمله هوایی خود به تهران دست زد. جمهوری اسلامی نیز به شهر راحیه عراق یک حمله هوایی صورت داد و بصره و شهرک های اطراف آن را زیر آتش توپخانه خود قرار داد. علاوه بر تهران، عراق با موشک به سه شهر رامهرمز، دزفول و نهاوند حمله برد. تنها در نهاوند بر اثر این حمله دست کم ۱۶ نفر کشته شدند. عراق اعلام کرد که این حملات را در پاسخ به حمله موشکی روز جمعه ۱۶ فروردین به بغداد صورت داده است.

در روزهای یکشنبه و دوشنبه هم زمان با سفر خاویز پرزد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد، به تهران و بغداد، حمله مهمی صورت نگرفت. ستاد مشترک ارتش و سپاه جمهوری اسلامی خبر از تبادل آتش در مناطق نوسود، اروندرود، قصر شیرین و شمال غرب در روز یکشنبه ۱۹ فروردین داد. عراق نیز بلافاصله بعد از عزیمت خاویز پرزد و کوئینار از بغداد اعلام کرد که یک هدف دریایی و دوشهر سرپل ذهاب و کیلند غرب را بمباران کرده و سردشت را زیر آتش توپخانه قرار داده است.



پیر مرد عرب بر ویرانه های خانه اش در رامهرمز

دبیرکل سازمان ملل بعد از ورود به تهران اعلام داشت که طرح خاصی را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق در نظر ندارد و صرفاً برای تبادل نظر به ایران سفر کرده است. خاویز پرزد و کوئینار از آن رو این موضع را گرفت که مقامات جمهوری اسلامی از پیش اعلام کرده بودند که در سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران تنها درباره جنگ شهرها گفتگو خواهد شد و از آتش بس کلی سخنی به میان نخواهد آمد. مقامات جمهوری اسلامی آسان که رسانه های گروهی این رژیم انعکاس دادند، در دیدار با خاویز پرزد و کوئینار موضع همیشگی خود را اعلام داشتند. خامنه ای گفت ایران در شرایط خود تغییر بی نداده و خواهان سرنگونی صدام است. موسوی گفت بغداد باید انتظار موشک های دیگری را داشته باشد و جمهوری اسلامی می تواند جنگ شهرها را تا پیروزی نهایی ادامه دهد. رفسنجانی نیز در سخنرانی مهم خود در نماز جمعه هفته گذشته شرایط همیشگی جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به جنگ تکرار کرد.

خاویز پرزد و کوئینار ظهر روز دوشنبه ۱۹ فروردین، از طریق قطر راهی بغداد شد. در قطر وی با

از میان نامه‌ها

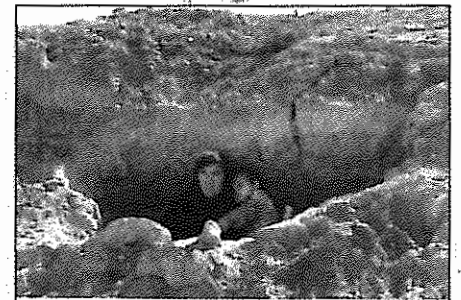
مردم تهران:

خمینی عید ما را عزا کرد

اکثر نامه‌هایی که در چند هفته گذشته از تهران دریافت کرده‌ایم، به توصیف فضای غم انگیز و پیر اضراب تهران در عیدی که بر اثر جنگ طلبی رژیم به عزا تبدیل شد، اختصاص دارد. در زیر ما توجه خوانندگان را به بریده‌هایی از چهار نامه جلب می‌کنیم. از طریق این نامه‌ها به وضوح می‌توان دید که تهران همچون دیگر شهرهای میهنمان سال جدید را در چه شرایط دردناکی آغاز کرده است:

* "... حملات هوایی هواپیماهای عراقی به تهران، موجی از نگرانی و دلهره را در بین مردم برانگیخت. غم و اندوه و خشم در چهره مردم، مردمی که به جای شادی عید عزا داری می‌کردند، موج می‌زد. وقتی هواپیماها حمله می‌کردند، خشم مردم نسبت به دستگاه اوج می‌گرفت. در بسیاری از محلات و کوچه‌ها، از جمله در میدان آذری و سی‌متری جی من خود از نزدیک می‌دیدم که مردم با صدای بلند اعتراض خود را بیان می‌کردند. از جمله می‌گفتند: "می‌گویند جنگ، جنگ تا پیروزی، خودشان دهها پناهگاه دارند، هیچ به فکر مردم نیستند، آخر زن و بچه مردم چه گناهی کرده‌اند." در بسیاری از اماکن عمومی از جمله در اتوبوس‌ها، صحبت مردم حول این مساله بود که خمینی دارد به مردم عیدی می‌دهد، اینها عدا این کار را کرده‌اند.

در تاریخ ۲۴ اسفند، ساعت یک بعد از ظهر، وقتی از رادیو اعلام شد که مردم به پناهگاه بروند، در منطقه غرب تهران، ما شاهد بودیم که مردم بروی پشت‌بام‌خانه‌ها می‌رفتند تا هواپیماهای عراقی را ببینند. یکی از افراد زحمتکش که بر روی بام بود، می‌گفت: "به ما می‌گویند برویم به پناهگاه، ما کجا پناهگاه داریم، بر روی پشت بام آمده‌ام تا همه ببینند که ما پناهگاهی در این مملکت نداریم."



در بسیاری از کوچه‌ها، کودکان گریه می‌کردند و مادران به همه مقامات فحش می‌دادند که خدا اینها را ذلیل کند، این بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند! زنی در اتوبوس می‌گفت: "هواپیماهای صدام بیایند کارمان را یکسره کنند. از این وضع نکبت بار خسته شده‌ایم!" و کارگری می‌گفت: "جنگ جهانی دوم با آن همه وسعتش ۵ سال طول کشید. اینها ول کن نیستند."

شبها وقتی به مردم اخطار می‌شود که برقها را خاموش کنند، کسی توجه نمی‌کند. بطور مشخص

ماموران کلانتری در محله‌های اطراف میدان راه آهن به خیابان ریخته بودند و به زور از مردم می‌خواستند که برق را خاموش کنند. در میان این همه ترس و دلهره، آژیر آمبولانس‌ها یک لحظه در خیابانهای آزادی و انقلاب قطع نمی‌شود چونکه انبوه زخمی‌ها را با هواپیما از جیب می‌آورند.

* "... همه مردم تهران مثل بقیه جاهای دیگر می‌گویند که خمینی، عید ما را عزا کرده است. جنگ خیلی حاد شده است. همه از ضرورت صلح حرف می‌زنند. بر اثر بمبارانهای هوایی در تهران، طوری شده است که مردم سعی می‌کنند تا ساعت ۴ یا ۵ کارهایشان را انجام دهند. زیرا اگر غروب شود، بر اثر حملات پیاپی هوایی برقها خاموش می‌شود و به خاطر خاموشی در تهران از تردد هر گونه وسایل نقلیه جلوگیری می‌کنند..."

* "... داریم به استقبال نوروز می‌رویم. انبوهی از مشکلات و مسائل پشت مردم را خم کرده است. در این وانفاسرما هم امان همه را بریده، آنهم در شرایط کمبود شدید نفت و مواد سوختنی، همه دنبال نفت و گاز و تیل می‌گردند. پیروزی سه بار در خانه ما را همسایه‌ها زدند تا از ما نفت قرض کنند. بچه‌هایشان سرما خورده بودند و بر اثر پروت هوا و سردی خانه، حالشان بدتر می‌شد. در یکی از خانه‌ها تمام افراد خانواده از ریز و درشت که ۹ - ۸ نفر می‌شدند، جمع شده بودند داخل یک اتاق تا بلکه خودشان را گرم بکنند. یکی از آشنایان که کارمند است از توزیع کننده نفت مجلسان، یک گالن ۲۰ لیتری را به ۵۰ تومان خرید... اما سرما که مساله‌ای نیست. اصل قضیه جنگ است که مردم را ذله کرده است، آنهم این روزها که هر دو طرف زده‌اند به سیم آخر.

نارضایتی و خشم مردم، همه جا دیده می‌شود. بسیاری اشخاص پس از سلام و علیک حتما کلام دوم شان فحش و ناسزا به حکومت است. امروز در سلمانی محله مان بحث داغی بر سر مساله جنگ جریان داشت. همه می‌گفتند آنهایی که می‌گویند جنگ، جنگ تا پیروزی، خودشان بروند زیر بمب تا معنی جنگ را بفهمند، آنها تا همه جا را قبرستان نکنند دست بر نمی‌دارند.

توی خیابان جلوی کیوسک روزنامه فروشی داشتم به تیتراهای کیهان و اطلاعات نگاه می‌کردم. رهگذری از من پرسید: چی نوشته؟ امروز چند جارو زدن؟ به او گفتم از ۲۰ تا شهری که گفته بودند ۱۶ شهر

نامه یک فدائی جوان به کمیته مرکزی سازمان

شب بسی یاوه به ره می‌پوید
شب عبث کینه به دل می‌جوید
روزی آید
آنچه باید روید، می‌روید

(تیما)

رفقا! به مناسبت فرارسیدن نوروز صمیمانه‌ترین درودهایم را بپذیرید. بهترین آرزوی من و همه جوانان فدائی همچون تمام مردم ایران برقراری صلح و آزادی است.

را تا حالا زده‌اند. فحشی نثار حکومت کرد و گفت مردم این شهرها چه گناهی داشته‌اند...

خلاصه اوضاع اینطوری است. همه جا عزا داری است، همه جا غم و اندوه است. سرکچه ما امروز تا حجله تازه گذاشته بودند. به همه این بدبختی‌ها باید گزاشی و بی‌پولی را هم اضافه کرد.

دیروز ۵۰۰ تومان گذاشتم جیبم بروم برای عید سروساکی بخرم. به فنادی که رفتم سرم سوت کشید: تخمه کدو کیلویی ۲۲۰ تومان - تخمه ژاپنی ۱۴۰ تومان - فندق ۹۰ تومان - پسته ۲۵۰ تومان. حالا میوه و شیرینی به کنار. وقتی که سبب زمینی کیلویی ۲۵ تومان باشد، حساب بقیه اجناس با کرام الکاتبین است..."

* "... اینروزها به راحتی می‌توان برخورد مردم را نسبت به جنگ و رژیم مورد مطالعه و قضاوت قرار داد. مردم خیلی راحت نفرت خود را به شکل‌های مختلف ابراز می‌دارند. مشاهدات زیر این موضوع را نشان می‌دهد:

- در یکی از محلات به دنبال بمباران هوایی یک نفر بریده بود وسط جمعیت و شعار جنگ جنگ تا پیروزی سرداده بود. مردم ریختند سرش و تا آنجایی که می‌خورد کتکش زدند.

- در میدان توپخانه سوار اتوبوس شدم. راننده که از موضوعی ناراحت بود زبان به شکوه و شکایت گشود. ابتدا از اینجاشروع کرد که امسال به ما عیدی ندادند. حالا عیدی هیچی به جای ۲۰ روز حقوق فقط ۲۸ روز حقوق به ما دادند. مرخصی‌های سالانه ما را هم لغو کردند. همه روزهای عید کار کردیم.

خانمی که در صندلی جلو نشسته بود با صدای بلند به او گفت عیدی می‌خواهید چکار؟ امسال که همه عیدیمان را اگر فتم. این همه بمب و جنازه و خرابی عیدی‌شان بود.

پس از آن در اتوبوس همه به اظهار نظر پرداختند. یک نفر نبود که از جنگ پشتیبانی کند. یک مقدار که مردم باهم اخت شدند، من فکر می‌کردم فقط این باقی مانده است که دسته جمعی پیاده شده و دست به تظاهرات بزنیم.

- نمونه‌ای دیگر: در اتوبوس یک جوان شروع کرد بلند بلند صحبت کردن که این جنگ، جزویرانی و کشتار شری نداشته است. ناگهان یک نفر بلند شد و به راننده گفت: "نگه دار! من پاسدارم و می‌خواهم این آقا را به کمیته ببرم. جوان ابتدا ایکه خورد و بعد از او کارت شناسایی خواست. پاسدارش را نشان داد. جوان روبه مردم کرد و گفت مگر من حرف بدی زدم، کجای حرفهای من بی‌ربط بود. ابتدا یک پیر مرد به دفاع از او برخاست و بعد بقیه مسافریین یک به یک به اعتراض برخاستند و پشت جوان را گرفتند. همه‌ای شده بود. پاسدار در مخصه گیر کرد. در اولین ایستگاه جوان پرید پائین و به سرعت از محل دور شد. پاسدار جرات نکرد او را تعقیب کند. می‌دانست که مردم نخواهند گذاشت او آن جوان را دستگیر نماید. همه به رفتار آن پاسدار پوزخند می‌زدند."

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!



پایداری کردند. صدای ناقوس مرگ رژیم شاه بر بام میهن آرام آرام به صدا در می آمد و دم به دم تندی می گرفت تا سرانجام برج و باروی زندانها و کاخهای شاه جبار درهم فرو ریخت و شط زندانیان سیاسی روانه اقیانوس مردم گردید.

چندان نگذشت که طرح ناکام شاه و نصیری را جلادان خونریز تازه ای دنبال کردند. آن زندانیانی که از زندان شاه رهائی یافته بودند، این بار یک بیک بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی اسیر شدند و یکبار دیگر در همان سلولهای پیشین به بند کشیده شدند و در همان میدانهای تیر به جوخه اعدام سپرده شدند. یکی از آخرین نمونه های آن فدائی خلق قربانعلی مودنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ماست که زندانی سرشناس زندانی شاه بود.

مرتجعین هیچگاه نمی توانند از تاریخ درس بگیرند. تبهکاران در قدرت نشسته کنونی نیز به همان راهی می روند که شاه رفته بود. آنان نیز با این گمان که با کشتار و ایجاد رعب بتوانند بر مبارزات دم افزون خلق خلی وارد کنند، دستان خود را تا مرفق به خون پاک ترین فرزندان مردم آغشته کرده اند. آنان را نیز نوای ناقوس عذاب می دهد که بر بلندای بام میهن مایه صد آورده است.

جوی خونی که از آن سلهای دور از درهم آمیختن خون فدائی، توده ای، مجاهد پدید آمده است، هنوز جاری است.

اینک جلادان نه به نام شاه که به نام خمینی ماشه های رامیفرشند و رهروان همان راهی را به خاک و خون می غنطانند که بیژن از پیشگامان آن بود.

تاریخ معاصر میهن مایکبار این حکم را اثبات کرد که نصیب ارتجاع علیرغم همه سیبیت جز مرگ محتوم نخواهد بود. اثبات دوباره آن نیز بر دیرنخواهد بود. اتحاد عمل آن کسانی که سینه هایشان با عشق به مردم می تپد و آماج تیرهای کین جلادان خمینی است، این زمان را هر چه کوتاهتر خواهد کرده

بزرگی بر جای نهاد. حاصل جمع بست مدام تجارب حاصله از جنبش توسط او که سرعت به بیرون راه می یافت، به سازمان ما این امکان را داد که توانائی خود را در ایفای وظایف انقلابی افزایش باز هم بیشتری بدهد. برآستی نقش بیژن در ارتقای سازمان مادر آن هنگام بی بدیل بود.

هنگامیکه رژیم شاه در سال ۵۲ کوشید با تشدید بازهم لگام کسیخته تر اختناق بر موج فزاینده مخالفت غلبه نماید که سرم بندی حزب رستاخیز جلوه ای از آن بود، ایذا و آزار زندانیان سیاسی چنان شد که پیش از آن مرکز نبود. زندانیان سیاسی را بهر حمانه مورد ضرب و شتم قرار می دادند و از هرگونه امکانی محروم ساخته بودند. رژیم ضد مردمی و مغفور شاه در هراس از فروپاشی قریب الوقوع بساط خود، می خواست خلق و پیشگامان راه مردم را مرعوب نماید.

در همین راستا طرح کشتار زندانیان را طراحی کردند، تا ضمن ایجاد رعب، جنبش در حال پیشرفت را از کادرهای برجسته محروم سازند. در راس این کادرها بیژن و هرمز مانش جای داشتند. به این ترتیب این جنایت هولناک تحقق پذیرفت و درسی فروردین هفت فدائی خلق و دو مجاهد خلق در تپه های اوین به رگیار مسلسل های آمریکائی بسته شدند. چند ماه پیش از آن نیز یکی دیگر از زندانیان سیاسی پر سابقه، پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را در زندان کمیته زیر شکنجه به شهادت رسانده بودند.

واکنش این گونه اقدامات ردیبلان در میان مردم و در سراسر جهان چنان شد که کار ادامه این توطئه سبعمانه و کشتار جمعی دیگر زندانیان را دشوار ساخت. تاثیر آن بر زندان، خلاف انتظار رژیم بود. زندانیان سیاسی به مثابه فرزندان صدیق خلق نفرت خود را علیه رژیم ددمنش شاه، جلا دادند و دلیرانه

با فرا رسیدن سی ام فروردین ماه ده سال از شهادت نه انقلابی برجسته که هفت تن از آنان از بنیانگذاران سازمان ما و دو نفر از رهبران سازمان مجاهدین خلق بودند، می گذرد. در چنین روزی در سال ۵۴ جلادان رژیم آمریکائی شاه رفقا بیژن جزئی، حسن ضیا ظریفی، محمد چوپانزاده، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سردی، احمد جلیل افشار و عباس سورکی و مجاهدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل را در حالی که مدت محکومیت زندان خود را می گذراندند در اوین به قتل رساندند و جنایت هولناک دیگری را بر کارنامه سیاه حکومت ننگین پهلوی رقم زدند.

رفیق بیژن و فدائیان همراهش قریب به ۸ سال بود که زندانی بودند. آنها که از بنیانگذاران و اعضا اولیه سازمان ما بودند در سال ۴۶ دستگیر شده بودند و هر یک از آنها از برجستگان جنبش انقلابی میهن ما به حساب می آمدند. در تمام سالهای طولانی اسارت تحت شکنجه های مدام جسمی و یاروانی قرار داشتند. سالهای زیادی را به صورت تبعیدی در زندانهای شهرستانهای دور افتاده بسر می بردند. هر بار نیز به بهانه ای آنان را به سلولهای قزل قلعه و بیا اوین کشانده و تحت شکنجه قرار می دادند.

رفیق جزئی را پس از عملیات سیاهکل از زندان قم به تهران منتقل ساختند. ساواک بر نقش خلاق او در هدایت سازمان از زندان، واقف شده و شدیداً خشمگین بود. از همان زمان قصد جاننش را کرده بودند. بیش از یک سال در سلولهای زندانهای اوین، قزل قلعه، عشرت آباد و فلکه شهر بائی تحت بازجویی و مراقبت شدید قرار داشت. اما با وجود این او از همان سلولها نیز ارتباط خود را با دیگر زندانیان و با جنبش برقرار نگه می داشت. او بالاخره در سال ۵۱ به زندان قصر منتقل شد. ولی در

همان بدو ورود با زمدتی او را در سلولهای این زندان به بند کشیدند. در آنجا بار دیگر پرویز ثابتی جنایتکار مخوف ساواک به دیدارش آمد و هشدار داد که هرگاه حرکات انقلابی همچنان تداوم یابد کشته خواهد شد. پرویز خند این رفیق پاسخ شایسته به این جلا داد بود.

با ورود به زندان شماره سه قصر نقش سازمانگرا نه و هدایتگر او آغاز شد. لحظه ای از کار باز نمی ایستاد. کوشش های او در حفظ و تحکیم یکپارچگی میان زندانیانی که وابستگی ایدئولوژیک متفاوتی داشتند، تاثیر

تازه ترین ددمنشی رژیم در زندان اوین

بنا به خبر واصله از تهران، در هفته گذشته دسته انبوهی از جلادان رژیم تبهکار خمینی در اوین به بندهای این زندان بیورس برده و زندانیان را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. این اقدام چنان سبعمانه بود که حتی در زمان لاجوردی خون آشام نیز نظیر آن کمتر رخ داده بود. در نتیجه این اوباشگری، تعداد کثیری از زندانیان سیاسی شدیداً مجروح و مضروب گردیدند. مجروحین را بدون هیچ گونه امکانات درمانی در بندها و سلولها رها کرده اند.

اکنون در زندان حالت فوق العاده ای حکم فرماست. مقامات زندان اعلام داشته اند که از این پس این حرکات مداوم تکرار خواهد شد. علاوه بر این اخباری دال بر قریب الوقوع بودن تیرباران دسته جمعی گروهی از زندانیان شایع شده است. آمد و رفت های مقامات و افراد تازه، آماده باش زندانبانان و دیگر شواهد نشان می دهد که جان زندانیان سیاسی بشدت در معرض تهدید است و رژیم خود را برای جنایات هولناکتری آماده می کند.

گفته می شود جلادان را کسترش دم افزون پایداری زندانیان چنین خشمگین کرده است. آنها درصددند، حتی لحظه ای هم از آزار زندانیان سیاسی دست برندارند و با دست زدن به حرکات هستی ریک و جنون آسای مداوم روحیه آنان را درهم بشکنند. در واکنش به این ردالت های رژیم جمهوری اسلامی و به منظور نجات جان زندانیان، خانواده هایشان حرکات اعتراضی جمعی تازه ای را آغاز کرده اند.

مصاحبه "اکثريت" با رفیق تیسیر

عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بیستم فروردین ماه سالروز کشتار مردم بیدفاع دهکده فلسطین دیرباسبین توسط صهیونیستهاست که در سال ۱۹۴۸ صورت گرفت. دیرباسبین شامدی بر جنایات و ددمنشیهای صهیونیستها در منطقه است که از آن پس تا به امروز ادامه یافته است. اینک در جنوب لبنان هر روزه مردم روستاها و شهرها به مانند مردم دیرباسبین قتل عام می شوند. در ۲۷ سال گذشته رژیم اسرائیل دیرباسبینهای بسیاری آفریده است.

نیروهای مردمی و میهن پرست فلسطین و لبنان نیز در همه این سالها لحظه ای از مقاومت و پایداری دست نکشیده اند. آنها بر خودار از پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه بشریت ترفیخواه سرسختانه در برابر رژیم اسرائیل ایستادگی کرده اند. دولت صهیونیستی اسرائیل که در پیشبرد طرحهای توسعه طلبانه، مداخله جویانه و تجاوزکارانه خود از تشویق و حمایت همه جانبه دول امپریالیستی و بویژه امپریالیستهای آمریکائی بهره مند است، با اینکه همه توان خود را برای درهم شکستن مقاومت برحق مردم لبنان و فلسطین بکار گرفته اما نتوانسته بر اراده رزمجویانه آنان غلبه کند. اگرچه آن جنایات فجیع و بی مانند و آن توطئه های رذیله در هر گاهی آسیب هائی بر مقاومت فلسطین وارد کرده اما پرچم مقاومت مردم فلسطین همچنان برافراشته مانده است. در برابر ترلز، ماساها و سازشکاریهای نیروها و عناصر راست، مردم فلسطین راهی را دنبال می کنند که نیروهای انقلابی ترسیم کرده اند.

در شماره ۵۰، مصاحبه اکثريت با رفیق علی العبه عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان را خوانده اید. در این شماره مصاحبه اکثريت با رفیق تیسیر عضو دفتر سیاسی و مسئول روابط سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین را از نظر تان می گذرانیم. رفیق تیسیر در این مصاحبه مسائل کنونی فلسطین و سابق آن را برای خوانندگان اکثريت تشریح نمود و مضمون تحولات اخیر را توضیح داد.

رودرو با نیروهای صهیونیست قرار گرفتند. این جنگ از این نظر تنها جنگی است که می توان به تمام معنی آن را یک مقاومت مسلحانه مردمی نامید. و بلوانی ترین جنگ با دشمن صهیونیست نیز مصوب می شود. در این جنگ دشمن بیش از تمام جنگهای اعراب با اسرائیل متحمل خسارت شد. این وضع در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در داخل رژیم صهیونیستی نیز تاثیر گذاشت. درست است که دشمن توانست نیروهای فلسطینی را از غرب بقاع و جنوب لبنان و بیروت خارج کند و لیکن نتوانست روحیه مقاومت را درهم شکند و "ساف" را به عقب نشینی های سیاسی وادارد. عقب نشینی نیروهای ما از این مناطق بعد از یک مقاومت شرافتمندانه که بیش از ۸۸ روز ادامه یافت، صورت گرفت، آنهم یک عقب نشینی زیر پرچم "ساف" همراه با تمام تسلیحات و بانفارت سازمان ملل.

موضع غیر انقلابی بخش بزرگی از کشورهای منطقه طی سالهای اخیر دلیل جدی برای این پیروزی های موقت دشمن محسوب می شود. ما سه ماه رودرو با دشمن جنگیدیم و کشورهای مرتجع عرب هیچ اقدامی به نفع ما و علیه دشمن بعمل نیاروندند. به این ترتیب بار سنگینی بر دوش جنبش آزادی بخش فلسطین وارد آمد و هم چنین بر دوش نیروی ملی و دموکراتیک لبنان و سوریه.

صهیونیستها متوجه شدند که ضربه زدن به نیروهای "ساف" در لبنان نه تنها باعث از بین رفتن آن نشد بلکه نتیجه دیگری حاصل شد. مردم جنبش مستمر خود را در زمینهای اشغالی و زیر پرچم "ساف" تقویت کردند و قوای انقلاب فلسطین به اعتبار

صهیونیستها سالها سعی می کنند مسئله فلسطین تنها در حد مسئله آوارگان و پناهندگان در خاورمیانه مطرح باشد و سازمان آزادی بخش فلسطین نابود گردد. این چیز جدیدی نیست، لیکن پیش برد این امور از طریق یک جوتسلیم طلبانه در منطقه مسئله مهمی است. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی طی این مدت با مشکلات جدی سیاسی و اقتصادی در داخل روبرو گردید که منجر به سقوط دولت لیکود شد. آنها به آغاز جنگ بعنوان وسیله ای جهت رهایی موقت از مشکلات داخلی نیز نیاز داشتند و احساس می کردند که از این طریق می توانند مبارزه انتخاباتی را به نفع خویش پایان دهند.

در زمینه بین المللی در آن مرحله ما شاهد گسترش سیاست تشنج آفرینی از طرف آمریکا و گسترش شوروی ستیزی بودیم. آمریکا برای تبدیل منطقه خاورمیانه به بلوک مبارزه علیه اتحاد شوروی، از طریق جمع آوری کشورهای مرتجع و اسرائیل در یک پیمان، سعی داشت به هر قیمتی شده بر منطقه مسلط شود.

بر این بستر بود که حکومت دشمن با هدف سرکوب "ساف" و جنبش لبنان و به زانو درآوردن سوریه و با آرزوی تامین خواستهای توسعه طلبانه دیرینه خود بخصوص در جنوب لبنان، لشکرکشی وحشیانه به خاک لبنان را آغاز کرد.

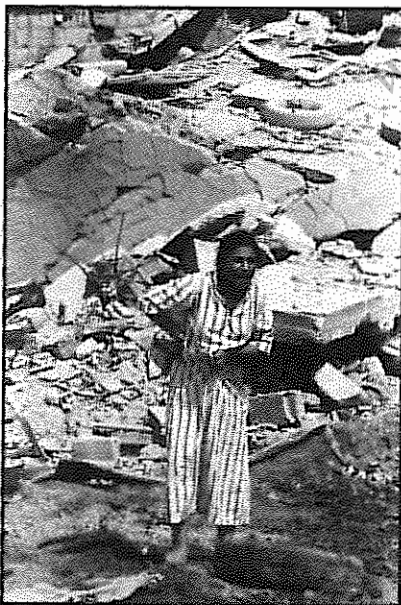
س: جنبش آزادی بخش فلسطین و نیروهای مقاومت ملی لبنان علیه نیروهای تجاوزگر، قهرمانانه رزمیدند و بویژه در دوره محاصره بیروت مقاومت دلیرانه ای از خود نشان دادند. ارزیابی شما از این دوره و از آنچه که در بیروت گذشت چیست؟

ج: قوای انقلاب فلسطین و نیروهای دموکراتیک لبنان با یک پایداری بی نظیر با قوای اسرائیل مقابله کردند. برای اولین بار خود توده های عرب،

س: زمینه های تجاوز اسرائیل به خاک لبنان چگونه فراهم شد، اوضاع سیاسی امروز را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: انقلاب فلسطین در لبنان نقش بسیار اساسی بعهده گرفت. همچنانکه میدانید چیزی که آمریکا برای منطقه طراحی کرده بود سالها در پی اجرای آن بود، متاسفانه به میزان وسیعی تحقق پیدا کرده است. بویژه با خارج کردن مصر از جبهه نیروهای مقاومت عرب و پایه امضای قرارداد کمپ دیوید. پس از ضربات متعدد بر پیکر جنبش آزادی بخش عرب و انقلاب فلسطین، امروز وضعی پیش آمده که بجز جنبش فلسطین و لبنان که با پشتیبانی دولت سوریه و حمایت سایر حرکات آزادی بخش جهان عرب، می رزمند، کمر دیگری در منطقه در مقابل طرحهای آمریکایی بیاری ایستادگی ندارد.

انقلاب فلسطین و حرکت آزادی بخش لبنان نقش بسیار بزرگی در جلوگیری از پیشرفت اوضاع به نفع آمریکا در منطقه بازی کردند، بویژه هنگامی که بعضی از کشورهای مرتجع عرب به پشتیبانی از طرح های آمریکا با یک پوشش عربی برداختند و کمک های جدی در راه اجرای این طرحها نمودند. پیشنهاد پادشاه سعودی در کنفرانس فاس در مغرب را به خاطر داریم که خوشبختانه در نتیجه پایداری ملی کشورهای عربی مرفقی توانستیم آن را بایکوت نماییم. به این ترتیب برای واشنگتن و تل آویو ضروری شده بود که جهت کاهش مشکلات و تسریع اجرای طرحهای موجود گام جدی به پیش برداشته شود. آنها لازم می دیدند که ضربه محکم و شکننده ای بر پیکر سازمان آزادی بخش فلسطین "ساف" وارد آورند. سازمانی که جز مهمی از نیروهای پیشرو حرکت آزادی بخش عرب است. سازمانی که در راه حقوق حقه مردم فلسطین می رزمند و مدافع نماینده مقاومت ملی مردم فلسطین است. آمریکا و



صحنه ای از آثار جنایات صهیونیستها و همدستانان در اردوگاه شتیلا

مقاومت دلیرانه مردم دوباره انجام خود را بازیافتند. ما در ۱۹۸۲ موفق شدیم شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را برپا کنیم و به جهانیان نشان دهیم که "ساف" همچنان زنده است و هم چون گذشته به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین باقی مانده است. بدین گونه بود که اسرائیل در هدف مقدم خود یعنی از بین بردن "ساف" ناکام ماند.

رهبری راست‌ترا به این نتیجه رسید که باید اوضاع داخلی "ساف" را به نفع خود سازمان دهد. لذا عرفات به تصفیه نیروهای انقلابی دست زد. طبق ۵۱ فرمان نظامی صادره از جانب عرفات، نیروهای دموکراتیک از رهبری سازمان الفتح اخراج شدند و به ویژه در قوای مسلح سعی کردند امور را از دست عناصر انقلابی خارج سازند. علیه آنها تبلیغات سو نمودند تا سابق انقلابی‌شان را مخدوش سازند. یکی از این افراد انقلابی داخل الفتح، ابوموسی بود. این روند منجر به بروز یک جنبش اعتراضی در داخل الفتح شد. این جنبش در ابتدا شعارها و خواسته‌های اصلاح طلبانه تشکیلاتی و سیاسی مطرح میکرد، که تقریباً همگی بر حق بودند. به همین دلیل از همان ابتدا مورد تأیید ما واقع شد. لیکن آنها به اسلحه و کودتا و روشهای چپ‌روانه روی آوردند و این باعث شد که اهداف آنها به درستی متحقق نشود. حتی بر خلاف آن بر مشکلات درونی "ساف" افزوده شد. نتیجه بعدی آن جنگ برادر کشی در طرابلس و گسترش شکاف در میان صف فلسطینیان و باز شدن زمینه دخالت‌های خارجی در امور داخلی فلسطینیان گردید. این امر حتی منجر به خروج بخشی از نیروهای فلسطینی از لبنان شد و خون بسیاری از جوانان فلسطینی در این درگیری‌ها به هدر رفت.

ما بعنوان اتحاد دموکراتیک، شامل سازمانهای

مضمون و هدف پذیرش صهیونیسم توسط اعراب و حل مسئله فلسطین خارج از چهارچوب خواسته‌های ملت فلسطین بود. این طرح با برنامه "ساف" مبنی بر بازگشت به میهن اشغال شده و داشتن حق تعیین سرنوشت و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، کاملاً در تضاد بود. حمله سیاسی گسترده به "ساف" و تهاجم ارتجاع به مواضع سیاسی آن و اعمال فشار همه جانبه به رهبری "ساف"، محافل معین ذی‌نفوذ در رهبری "ساف" را به نرمش واداشت. آنها حاضر شدند بر اساس این طرح‌ها به معامله بنشینند. و این نکته بسیار خطرناکی بود. آنها گمان کردند که مبارزه به بن بست رسیده و راهی جز پذیرش راه حلهای سازشکارانه ندارند. این برخورد بانرمش در مقابل طرح ریکیان و همچنین چشمک زدن به طرح ملک حسین که با عبارت "سیاست آری ونه" مشهور شده است به اوج خود رسید.

چنین شد که سیاست راست در رهبری "ساف" قدرت گرفت. نشست با بعضی محافل صهیونیست و همکاری با رژیم مصر، به چشم پوشی کامل از تمام اهداف "ساف" و زیر پا گذاشتن آن منجر شد که به بروز بحران در تشکیلات "ساف" انجامید. رهبری راست به مخالفت با اصلاحات دموکراتیک در "ساف" پرداخت و روش ایجاد تشنج بین نیروهای دموکراتیک ملی و بعضی کشورهای ملی عرب از آن جمله سوریه را پیشه کرد

در مورد سوریه نیز نه تنها دشمن نتوانست یک عقب‌نشینی سیاسی تحمیل نماید، بلکه در حقیقت درست عکس آن پیش آمد. سوریه از نظر نظامی مواضع خود را تحکیم کرد و مواضع سیاسی آن بر ضد ارتجاع منقلقه و بر ضد قرارداد کمپ دیوید تقویت شد. دشمن تنها یک پیروزی موقتی بدست آورد و آن برهم زدن توازن قوا در لبنان و گسترش تسلط فلائزها بود. حوادث دو سال اخیر این وضع را نیز تغییر داده است. نیروهای ملی و فلسطینی در لبنان دوباره قدرت می‌گیرند. و اموری پیش از پیش از چنگ فلائزها خارج می‌شود.

س: نظرتان در مورد ورود تجاوزکارانه نیروهای ناتو در لبنان و خروج مفتضحانه آنان از بیروت چیست؟

ج: نیروهای انقلابی طبق قرارداد معینی از بیروت خارج شدند. در این قرار داد مسئله امنیت آوارگان فلسطین و عدم حمله به اردوگاه‌های مسکونی فلسطینی‌ها و همچنین فراهم آوردن امکان خروج نیروهای انقلابی و تامین امنیت آنها به توافق برقرین رسیده بود. قرار بر این شد که یک قوای چند ملیتی بر این امر نظارت کند و امر حفاظت از اردوگاههای فلسطینی را بعهده گیرد. اما قوای چند ملیتی و آمریکائی به وعده خود وفا نکردند. آنها مانع حمله وحشیانه فلائزها به اردوگاهها شدند و تنها یک ماه بعد قوای مشترک چند ملیتی از حفاظت اردوگاهها دست کشیدند و آنها را بی دفاع در مقابل صهیونیستها و فلائزها رها کردند. از کشته شدن بشیر جمیل نیز بعنوان بهانه ای برای کشتار نیروهای ملی استفاده شد و سعی کردند حتی نیروهای غیر مسلح فلسطینی را نیز نابود سازند. در پی آن قوای صهیونیست وارد بیروت غربی شد و دست در دست فلائزها کشتار وحشیانه وضد انسانی صبراً و شتیلاً را مرتکب شدند. لیکن ماندن اسرائیل در بیروت غیر ممکن بود. مقاومت نیروهای ملی دوباره اوج گرفت و آنها را وادار به خروج از بیروت کرد. قوای چند ملیتی علیرغم مشارکتش در کشتار صبراً و شتیلاً، دوباره جایگزین نیروهای اسرائیلی شد. آنها در توافق با فلائزهای لبنان و با چهره ای عربیان باهدف تبدیل لبنان به پایگاه امپریالیسم، ایجاد پایگاههای نظامی اسرائیلی در آنجا که می‌بایست در خدمت ناتو قرار می‌گرفتند و به سکوی پرتاب علیه اتحاد شوروی تبدیل می‌شد، وارد بیروت شدند. لیکن قوای مشترک این بار تلفات سنگینی متحمل شد. پایگاه آمریکا و فرانسه با خاک یکسان گردید و هیچکدام از آنها قادر به حفاظت خود در لبنان نشدند. برای آنها راهی جز ترک لبنان باقی نمانده بود.

س: پس از خروج "ساف" از بیروت چه مشکلات جدیدی پیش آمد؟ برای حل معضلات کنونی چه اندیشه ای دارید؟

ج: از آن روز اولی که نفرات مقاومت فلسطین از بیروت خارج شدند، حرکت ارتجاع برای شکستن مواضع سیاسی ساف آغاز گشت. ریکیان طرح رسوای خود را با بوق و کرنا اعلام کرد. کنفرانس فاس بلافاصله تشکیل شد و امیر فهد طرح خود را ارائه داد. پس از چند ماه ملک حسین نیز طرحی ارائه کرد که منظور آن تشکیل کنفدراسیون مشترک اردن - فلسطین بود که با



بیروت پس از تجاوز صهیونیستها

این سیاست یک سال پس از خروج از بیروت با مقاومت جدی و کامل روبرو شد. نیروهای مترقی توانستند زیر بنای مواضع ملی فلسطین و مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را حفظ کنند و "ساف" را از خطر انشعاب رهایی بخشند. ولی رهبری راست که در "ساف" رخنه کرده به این مصوبات پایبند نماند. روابط خود را با مصر و اردن گسترش داد و مذاکرات اردنی - فلسطینی آغاز گشت. بیاسر عرفات طرح اردن را تأیید کرد و مصوبات سازمان ملل که "ساف" را تنها نماینده قانونی خلق فلسطین می‌شناسد را زیر پا گذاشت. او این نمایندگی را به پادشاه اردن واگذار کرد. اما مقاومت نیروی ملی و دموکراتیک داخل سازمان الفتح و اعتراض گسترده دیگر سازمانهای فلسطینی، اجازه امضای این قرارداد را به عرفات نداد و مذاکرات را متوقف کرد.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه آزادی بخش فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین، مستمراً تلاش می‌کنیم که وحدت درونی "ساف" حفظ شود. و اصلاحات دموکراتیک و رادیکال در آن صورت گیرد. ما مذاکره را بعنوان تنها راه حل مشکلات درونی "ساف" می‌شناسیم.

همچنانکه میدانید هم اکنون دو گروه بندی دیگر نیز در داخل "ساف" وجود دارد.

۱ - کمیته مرکزی سازمان الفتح و کسانی که از آن پشتیبانی می‌کنند و آن محوری است که مسئولیت گرایش به راست و مسئولیت اساسی انحراف انقلاب فلسطین را مستقیماً بعهده دارد.

۲ - اتحاد ملی که شامل جنبش درونی الفتح، جبهه خلق (رهبری عمومی)، جبهه نبرد فلسطین، جبهه آزادی بقیه در صفحه ۱۳

آنها که می خواستند کمونیسم را ریشه کن سازند...

در پیش از از هشت ماه چهلین سالروز پیروزی بر فاشیسم، انتشار سلسله مقالاتی را آغاز کرده ایم. در شماره گذشته مقاله "بوخنوالد: حماسه پایداری و همبستگی" را درج کردیم و در این شماره مقاله زیر را که نوشته ای از "لوبسیمسکی" دانشمند شوروی است منتشر می کنیم. در این نوشته مشاهده می کنید که چگونه برخی از محافل حاکمه ایالات متحده و فاشیستهای آلمانی در همان سالها می کوشیدند بر محور شوروی ستیزی به اتحاد عمل دست یابند. اما به حکم تاریخ نه فقط هیتلر بلکه همه آنهاست که خواب نابودی سوسیالیسم را می دیدند، به جای خود نشانده شدند.

چندی پیش، توجه مورخین به یک سند تاریخی جلب شد که یک محقق آلمانی در آرشیو دانشگاه بیل آمریکا پیدا کرد. این سند، به قلم ترومن اسمیت، افسر نیروی دریایی آمریکا است که در این زمان در آلمان وارد مونیخ شده و در تاریخ بیستم نوامبر ۱۹۲۲ بعنوان دستیار وابسته نظامی سفارت آمریکا در آدولف هیتلر که در آن زمان یک سر جوخه سابق بیشتر نبوده، ملاقات نمود. پس از این ملاقات، افسر آمریکایی تلگرافی به واشنگتن فرستاده و در آن نوشت: جنبش نوین سیاسی در آلمان، یعنی فاشیسم، هدف مبارزه با مارکسیسم را فراروی خود قرار داده و به این منظور می خواهد دمکراسی پارلمانی را از میان بردارد. هیتلر در این ملاقات به اسنیت گفته بود: برای آمریکا و انگلیس بهتر آن است که نبرد تعیین کننده میان "تمدن" غربی و مارکسیسم در خاک آلمان، و نه در آمریکا و انگلیس، درگیرد. رهبر فاشیستهای آلمان همچنین افزوده بود اگر آمریکا به "ناسیونالیسم" آلمان کمک نکند، بلشویسم آلمان را تسخیر خواهد کرد.

سند فوق، برای درک بهتر ماهیت تجاوز فاشیسم هیتلری از اهمیت اساسی برخوردار است. تاریخچه به قدرت رسیدن و لشکرکشی هیتلر علیه اتحاد شوروی و سایر خلقها در عین حال هم پیچیده هم ساده است. پیچیده است، از آن رو که از ترکیب متناقض منافع گروه بندیهای گوناگون جامعه سرمایه داری در دهه بیست و سی سده حاضر میلادی ریشه گرفت. ساده است، چرا که در تمام طول آن یک خط کلی دیده می شود: نفرت عمیق طبقاتی حکومتهای استثمارگر جهان از طبقه کارگر و پیشاهنگ آن از انتشار مانیفست کمونیستی به بعد، نفرتی بنام کمونیست ستیزی.

حزب هیتلر "ریشه ای" ترین راه حل معضل اصلی بورژوازی معاصر را پیشنهاد می کرد: نابودی فیزیکی کمونیستها، یعنی همه پیروان سوسیالیسم علمی، و همه کسانی که نخستین دولت مبنی بر این جهان بینی را بر پا کرده بودند. "ناسیونال سوسیالیسم" هیتلر بدینگونه شروع به رشد نمود. بی شک ادامه توسعه طلبی امپریالیسم آلمان که در جنگ جهانی اول شکست خورده بود، زمینه اعتلای

فاشیسم در این کشور بود. اما نباید از نظر دور داشت که اجرای این سیاست و تلاش برای احراز سلسله بر جهان بدون حادثترین شکل کمونیسم ستیزی امکان پذیر نبود. رژیم هیتلر خود را با مباحثات "دژ"ی علیه کمونیسم می خواند و وعده تحقق شیرین ترین رویای سران دولتهای غرب، یعنی نابودی جنبش کمونیستی در غرب و از آن مهمتر، نابودی نخستین دولت سوسیالیستی جهان را می داد.

برای هیتلر و پیروانش تردیدی وجود نداشت که جنگ آتی علیه اتحاد شوروی یک "جنگ ایدئولوژیک"، "جنگ جهان بینی ها"، جنگ علیه کمونیسم خواهد بود. "پیشوا"ی فاشیستها در سوم فوریه ۱۹۳۹، یعنی ماهها پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، به ژنرالهای خود گفت جنگ آینده جنگی صرفا ایدئولوژیک خواهد بود، و در سوم مارس ۱۹۴۱ اظهار داشت لشکرکشی به اتحاد شوروی چیزی فراتر از یک درگیری مسلحانه، و در حقیقت پیکار میان دو جهان بینی است.

ریگان اولین کسی نیست که پیش بینی می کند "عمر کمونیسم به سر رسیده است". هیتلر در سال ۱۹۲۵ در "نبرد من" نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در آستانه تلاشی است."

تمام جریان طرح ریزی و انجام عملیات "بارباروسا"، تجاوز به اتحاد شوروی، بر مبنای این نگرش هیتلر صورت گرفت. به واحدهای اس-اس دستور داده شده بود همه کادرهای کمینترن و همه سیاستمداران کمونیست را تیرباران کند. ستاد ارتش فاشیستی (ورماخت) در یکی از بخشنامه های خود نوشت: "بلشویسم دشمن ملت ناسیونال سوسیالیست است. آلمان در پیکار با جهان بینی خرابکاری و حاملین آن می باشد." ژنرالهای هیتلر به صراحت می گفتند نباید به کمونیستها رحم کرد. چه شباهتی میان این گفته ها و اظهارات ریگان سر کرده کنونی امپریالیسم آمریکا وجود دارد که می خواهد کمونیسم را با یک "جنگ صلیبی" از میان بردارد! البته ریگان اولین کسی نیست که پیش بینی می کند "عمر کمونیسم به سر رسیده است". هیتلر در سال ۱۹۲۵ در "نبرد من" نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در آستانه تلاشی است."

اما رویای هیتلر به تحقق نپیوست، و "رایش سوم" در آتشی که خود افروخته بود نابود شد. تاثیر پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی، بسیار فراتر از یک درگیری نظامی است. این جنگ، نه پیکار ارتش ها، که نبرد نظامهای اجتماعی بود. در حالیه ارتش فاشیستی در عرض چند ماه پس از آغاز یورش به اتحاد شوروی، در جبهه ای بطول هزاران کیلومتر به خاک شوروی رخنه کرده و تانکهای مسکو پیشروی نموده بود، مردم شوروی توانستند متجاوزین را به عقب رانده و از آن فراتر، سایر خلقهای اروپا را نیز از یوغ فاشیسم رها ساخته

و غفرت نازی را نابود سازند. این حماسه را باید با جنگ هیتلر علیه فرانسه مقایسه کرد. فرانسه قبل از ۱۹۴۰ یکی از سه دولت بزرگ غرب بود و نیروی نظامی بزرگی در اختیار داشت، اما در عرض چند هفته در زیر ضربات فاشیسم هیتلری درهم شکست.

شکست تجاوز هیتلری، شکست نهایی همه جنگ های صلیبی ضد کمونیستی است. این سران غرب بودند که با خصومت عمیقشان با سوسیالیسم، اعتلای فاشیسم هیتلری را امکان پذیر ساختند. بیهوده نیست که هیتلر از ۱۹۲۲، از هنگام ملاقات با افسر آمریکایی که در آغاز بدان اشاره رفت، بدنبال جلب پشتیبانی غرب از نقشه های خود بود. رودلف هس، معاون هیتلر، خطاب به فرستاده خود به انگلیس گفت: "ما را بعنوان دژ علیه بلشویسم، یعنی همان چیزی که در حقیقت نیز هستیم، تصویر کنید. افراد ما در نبرد علیه بلشویسم تنها عامل فعال هستند."

همچنین نباید فراموش کرد که آمریکا و سایر دولتهای غربی قدرت نظامی اتحاد شوروی را بسیار کمتر از آنچه بود تصور میکردند. ستادهای ارتش انگلیس و آمریکا در آغاز تجاوز آلمان هیتلری به اتحاد شوروی پیش بینی کردند که دولت شوروی در عرض چند هفته از پا در خواهد آمد. چرچیل نخست وزیر بریتانیا در بیست چهارم اکتبر ۱۹۴۱ "سقوط مسکو قبل از آغاز زمستان" را پیش بینی نمود.

علاوه بر این، در آمریکا و انگلیس برخی سیاستمداران به حکومتهای خود پیشنهاد می کردند جانب هیتلر را بگیرند. ساموئل معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در خاطرات خود می نویسد: "... در محافل سرمایه مالی آمریکا برخی ها معتقدند بودند که جنگ میان اتحاد شوروی و آلمان هیتلری بسود آنهاست. آنها می گفتند روسیه قطعاً سرعت شکست خواهد خورد و بلشویسم درهم خواهد شکست."

در بیوگرافی رئیس وقت اداره جاسوسی نظامی آمریکا که در سال ۱۹۸۲ در ایالات متحده منتشر شد، سندنگان دهنده ای درج شده است. این سند، پیشنهاد سازشی است که از سوی یک مامور این اداره به سفیر آلمان در ترکیه داده شده بود. سازش مورد نظر آمریکا از این قرار بود: "۱- به رسمیت شناختن این اصل که آلمان در عرصه سیاست، صنعت و کشاورزی براروپا اعمال سلطه نماید. ۲- آلمان، آمریکا و انگلیس سه قدرت بزرگ جهان خواهند بود: آلمان در قاره اروپا، آمریکا در قاره آمریکا و چین، و بریتانیا در ماورا بحار و آفریقا (لهستان، ساحل دریای بالتیک و اوکراین نیز جزئی از "اروپا" می مورد نظر بود). ... آلمان در عملیات متفقین علیه ژاپن مداخله نخواهد کرد و در عوض، از مستعمرات هلند سهم خواهد گرفت. ۳- اعطای کمک به روسیه قطع خواهد شد. ..."

البته این توپله شکست خورد. در غرب واقع بینی بر کمونیست ستیزی غلبه کرد و ائتلاف ضد هیتلری به وجود آمد. تاریخ نه تنها هیتلر، بلکه همه آنهاست که خواب نابودی سوسیالیسم را می دیدند، بجای خود نشانده

باید اربساد صلح جهانی!

در آستانه اول ماه مه

نگاهی کوتاه به جنبش اعتصابی در کشورهای سرمایه‌داری

بقیه از صفحه اول

سرمایه‌داری و به ویژه اروپای غربی نظیر بریتانیا، آلمان فدرال، فرانسه و ایتالیا شاهد اعتصابات گسترده کارگری به مناسبت‌ها و با خواست‌های گوناگون بوده است. مشخصات این مرحله از جنبش اعتصابی در این کشورها چیست؟

اوایل دهه ۸۰، اقتصاد سرمایه‌داری دچار بی‌ثباتی روزافزونی شد. در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ کشورهای سرمایه‌داری با بحران ادواری مواجه گردیدند که خود را به صورت کاهش تولید صنعتی با افزایش بی‌سابقه بی‌کاری تا میزان ۱۰ الی ۱۱ درصد، تورم و تشدید تضادهای مابین کشورهای امپریالیستی به نمایش گذارد. علاوه بر این، افزایش سرسام‌آور مخارج تسلیحاتی باعث بروز مسایلی افزون بر عوامل یادشده در اقتصاد می‌گردد.

دولت‌های بورژوازی در تلاش برای حل دشواری‌های اقتصادی، بودجه‌های رفاهی را حذف می‌کنند، سیاست ضد کارگری را تشدید می‌نمایند و علیه دستاوردهای دمکراتیک پروتاریا دست به یورش عمومی می‌زنند.

در دوره اخیر بورژوازی خودش خود را برای تاثیرگذاری ایدئولوژیک بر زحمتکشان افزایش داده است. می‌کوشند به کارگران تلقین کنند که منافع آنها با منافع سرمایه مشترک است تا از این طریق جنبش کارگری را تجزیه نمایند. طبقه حاکم، از میلیتاریسم و علم کردن "خطر شوری" استفاده می‌کند و با هرگونه مقاومت زحمتکشان به این بهانه که "وحدت ملی" ضروری است به مقابله برمی‌خیزد.

اما این همه باعث آرام گرفتن پیکار طبقاتی نشده است. البته در برخی کشورها شمار اعتصاب‌کنندگان کاهش یافته، زیرا اسدیکاهای تصمیم گرفته‌اند در موقعیت ایجاد شده، به مبارزه اعتصابی دامن نزنند. ولی در عین حال، در سالهای اخیر در یک سلسله از کشورها مبارزات طبقاتی رو به گسترش است.

با آن که در برخی کشورها شمار اعتصابیون کاهش یافته، از شدت مبارزات طبقاتی زحمتکشان علیه سرمایه‌داران کم نشده است. به ویژه این

هم چنان در دستور کار است. اعتصابیون اینک علاوه بر دستمزد بیشتر، خواهان افزایش بودجه‌های رفاهی نیز هستند. سندیکاهای پیوسته برای انطباق دستمزد با نرخ افزایش قیمت‌ها مبارزه می‌کنند.

بخش مهم دیگر مبارزات میان کار و سرمایه مسئله اشتغال است. بیکاری جمعی برای انحصارات شرایط مساعدی ایجاد می‌کند تا به مواضع زحمتکشان ضربه بزنند. بیپوشه نیست که در بسیاری کشورها درست در شرایط وجود میزان بالای بیکاری تلاشهایی به عمل آمده تا دستمزد ثابت مانده و بودجه‌های رفاهی کاهش یابد. در این شرایط قوانینی برای محدود کردن حقوق سندیکایی، از جمله حق اعتصاب، به تصویب رسیده است.

شرکت کنندگان در اعتصابات و سایر اقدامات اعتراض جمعی در جهان سرمایه‌داری (تعداد به میلیون)

سال	مجموع	کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری
۶۰.۰۰۰ (رقم مترسایان)	۵۲	۲۷
۷۰.۰۰۰ (رقم مترسایان)	۶۵	۵۰
۱۹۸۰	۶۹	۶۱
۱۹۸۱	۷۲	۶۹
۱۹۸۲	۷۸	۶۷

بی‌کاری، امروز در رابطه با مشخصات تحول انقلاب علمی-فنی نیز تاثیرناپذیر است. بی‌کاری بیش از همه دامن گروه‌های شغلی متخصص نظیر کارگران ماهر و معلمان را می‌گیرد. با توجه به این امر، امروز در نبرد برای مشاغل مطمئن، این خواست‌ها مطرح می‌شود: کنترل مستقیم سندیکایی بر آهنگ استفاده از تکنولوژی جدید تولید در کارخانجات، تخصیص بودجه برای آموزش کارگران و پرداخت بیمه بیکاری به میزان آخرین دستمزد تا بافتن شغل جدید. سندیکاهای بسیاری از کشورها فعالیت خود را برای تحقق چنین کنترلی در سطح ملی افزایش داده‌اند. علاوه بر اینها، این خواست‌ها نیز مطرح می‌شود: کاهش ساعات کار بدون کاهش دستمزد، کاهش بودجه نظامی و افزایش بودجه اجتماعی و ملی کردن واحدهایی که در آستانه تعطیلی است. سندیکاهای بزرگ تعدادی از کشورهای سرمایه‌داری خواهان انجام اقدامات عایه تورم شده‌اند.

یکی از وجوه مشخصه مرحله کنونی مبارزه طبقاتی کنونی در آن است که سندیکاهای در جنبش صلح شرکت می‌جویند و اشکال مبارزه‌ای را که طی سالها پیکار خود با موفقیت آزموده‌اند، وارد این جنبش می‌کنند (مثلا اعتصاب، تحریم و کماردن نگهبانان اعتصاب). آماج اصلی این گونه اقدامات، انحصارات وابسته به مجتمع نظامی-صنعتی است.

روی هم رفته، تلاش‌های بورژوازی برای عادی ساختن مکانیزم اقتصادی به کمک محدود کردن حقوق زحمتکشان با موفقیت همراه نیست. بسیاری از مسایل اقتصادی گسترش وحدت یافته‌اند. این همه، مبارزه میان کار و سرمایه را دامن خواهد زد.

منبع: مطبوعات شوروی

مبارزات بیش از پیش جنبه سیاسی به خود می‌گیرند. مبارزه زحمتکشان در دفاع از حقوق خود در مرحله کنونی اغلب شکل سراسری و ملی به خود می‌گیرد و زندگی شهرهای بزرگ، مناطق و کل کشور را فلج می‌سازد. تظاهرات، میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های اعتراض تحت شعارهایی انجام می‌گیرد که بر خواست‌های طبقه کارگر در جنبش اعتصابی منطبق است.

یک ویژگی دیگر مرحله کنونی در آن است که در هیچ بخش جامعه آرامش نسبی حکم فرما نیست. مثلا بخش دولتی اقتصاد سرمایه‌داری نیز به عرصه مبارزات سخت و پایان‌ناپذیر تبدیل شده است. کارمندان که در گذشته از لحاظ طبقاتی یک گروه اجتماعی نسبتاً منفعل بودند، پیوسته فعال‌تر می‌شوند. اقدامات معلمین (تنها در سال ۱۹۸۱ بیس از ۱۰ مورد در آمریکا)، پزشکان و شاغلین رشته حمل و نقل گویای آن است که منافع آنها به منافع پروتاریای صنعتی نزدیک می‌شود. این امر در خدمت ایجاد جبهه واحد اعتراضی ضد سرمایه‌داری است.

یکی از مهمترین پدیده‌های سال‌های اخیر آن است که در کشورهای سرمایه‌داری، زحمتکشان رشته‌های کلیدی صنعت در مبارزات طبقاتی فعال‌تر می‌شوند.

بخش مهمی از مبارزات طبقاتی میان کار و سرمایه، اقدامات زحمتکشان علیه انحصارات فراملیتی است. در دهها کشور که شرکتهای فراملیتی شعبه دارند، طبقه کارگر خواستهای یکسان مطرح می‌کند و همبستگی انترناسیونالیستی خود را تحکیم می‌نماید.

مبارزه زحمتکشان برای خواست‌هایی که در نظر اول صرفاً اقتصادی می‌نماید، پیوسته مشخصات نبردی علیه استثمار به طور کلی را به خود می‌گیرد. سندیکاهای به طور فزاینده به اعمال کنترل بر تولید علاقه نشان می‌دهند، خواستار اعمال نفوذ بر شرایط کار و استخدام می‌شوند و در سطح کشور این مسائل را مطرح می‌سازند.

اما نبرد روزمره برای افزایش دستمزد نیز

اول ماه مه گرمی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران!

عوامل سپاه و کمیتته‌ها در کارخانه‌ها، دوا بی‌حراسته انجمنهای اسلامی، جاسوسان رژیم و عوامل سرکسوب میازات شما هستند. این جاسوسان و عوامل سرکسوب را افشاء کنید و نگذارید در مبارزه کارگران خرابکاری کنند. با همبستگی و یکپارچگی خود حربه‌آخراچ را کند و بی‌اثر سازید. برای حمایت از کارگران اعتصابی و برای حمایت از آخراچ شدگان صندوق ویژه تشکیل دهید. از لختا نوا ده کارگران دستگیر شده حمایت کنید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رسا تریاد فریاد اعتراض جهانی علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران

بقیه از صفحه اول

به زور سر نیزه نمی توان حکومت کرد

روزنامه ریزوسپاستیس ارکان حزب کمونیست یونان به مناسبت ششمین سالگرد انقلاب ایران در شماره ۱۰ فوریه خود مقاله ای درج نموده است که ترجمه بخشهایی از آن را در زیر از نظرتان می گذرانیم.

فردا یازدهم فوریه - افکار عمومی متوجه انقلاب ۱۹۷۹ ایران می شود، انقلابی که آنچه امید به وجود آورد و اکنون همه آن انتظارات را با شرایط امروزی این کشور مقایسه می کنند.

طبیعتا ناراحت کننده است که کسی بخواد آن عشق قهرمانانه به انقلاب را در سال ۷۹ با سقوط مصیبت بار امروزی و برخورد تاریخی با امپریالیسم را با جنگ خونین و بی پایان بین ایران و عراق مقایسه کند. این نمونه هم باز یادآوری این نکته است که جاده های تاریخ پر از پیچ و خم و فراز و نشیب است.

در گذشته بارها این فرصت به مادت داده بود که به اوضاع ایران نظر بیفکنیم. متاسفانه آن اوضاع امروز هم به همان منوال مانده است. یک رژیم دیکتاتور، مرتجع و در خدمت نظام سرمایه داری، با یورش وسیع به نیروهای پیشرو و سرکوب آنان کوش می کند توده های کارگران، کشاورزان و دیگر زحمتکشان را وادار به اطاعت کند.

وضعیت اقتصادی ایران رو به ویرانی می نهد و اگر تاکنون از هم نپاشیده بدان علت است که رژیم با ارباب و سرکوب بارسنکین نابسامانیها را بردوش زحمتکشان انداخته است

مساله اساسی کشور جنگ بی سرانجام و دامنه دار با عراق است که وارد پنجمین سال خود می شود.

جای هیچ شکی وجود ندارد که ادامه جنگ خواست رهبران ایران است چرا که رژیم این کشور نمی خواهد و نمی تواند پاسخگوی مسائل اساسی کشور باشد. سران رژیم می خواهند که این جنگ دائمی باشد تا بتوانند کشور را در بی نظمی و هرج و مرج نگه دارند از طرف دیگر سودی که دوستان نزدیک رژیم، کلان سرمایه داران و بازاریبان تهران از ادامه این جنگ می برند، حد و حساب ندارد.

این خواست امپریالیسم بود که جنگ تداوم پیدا کند تا از این طریق دو کشور ایران و عراق را ضعیف کرده و آنها را در چنگال خود نگه دارد.

به جنگ ایران و عراق باید پایان داده شود. این خواست تمام نیروهای پیشروست، خواسته ای که در کانون تبلیغات آنان قرار گرفته است.

در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) گفته شده است مبارزه علیه دخالت امپریالیسم و حاکمیت ارتجاع و نیروهای وابسته، با این خواست مردمی که مصلح می خواهیم نه جنگ، رابطه تنگاتنگی دارد.

چا دارد به واکنش مردم ایران در برابر رژیم حاکم بر این کشور نیز اشاره کنیم که از شعارهای

توخالی حکومت که هیچگاه با عمل همراه نبوده، سرخورده شده اند. اطلاعاتی حاکی از اعتصابات و تظاهرات در تهران و شهرهای بزرگ دیگر به گوش می رسد. در حال حاضر این حرکات توسط پاسداران سرکوب می شوند. اما تا کی؟ در ایران هم به زور سر نیزه نمی توان حکومت کرد.

برنده این جنگ

امپریالیسم جهانی و صهیونیسم

روزنامه ریزوسپاستیس در شماره شنبه ۲۰ مارس خود به انعکاس تظاهرات ایرانیان مقیم آتن در اعتراض به ادامه جنگ بین ایران و عراق و بمباران شهرها پرداخته است.



این روزنامه می نویسد:

"گروهی از میهن پرستان ایرانی و عراقی که در آتن زندگی میکنند، در مرکز این شهر مخالفت خودشان را با جنگ خونین و آمریکا راه انداخته ایران و عراق اعلام کردند. این جنگ تاکنون صدها هزار کشته و خسارات غیر قابل محاسبه داشته است و همانطور که در اعلامیه ای که به امضای فدائیان خلق ایران (اکثريت) - یونان، هواداران حزب توده ایران - یونان و حزب کمونیست عراق - یونان رسیده قید شده است، تنها برنده این جنگ، امپریالیسم جهانی و صهیونیسم است."

همبستگی با مردم ایران

در شهر ماری - فرانسه

به ابتکار اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه در شهر ماری، از تاریخ ۱۸ الی ۲۲ مارس "هفته بین المللی دانشجویان" در دانشگاه سن کارل و کوی دانشگاه این شهر برگزار شد. بسیاری انجمنهای دانشجویی خارجی مقیم ماری از جمله دانشجویان ایرانی و نیز انجمنهایی نظیر "انجمن فرانسوی دوستی و همبستگی با خلقهای آفریقا"، "جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها" در برگزاری این هفته شرکت داشتند.

هر شب این "هفته" به مساله خاصی در جهان تعلق داشت از قبیل همبستگی با آمریکای لاتین، مبارزه علیه نژادپرستی و آپارتاید، اختناق در ایران و ترکیه، مساله گرسنگی در جهان و صلح و دوستی بین خلقها.

در شب ۲۰ مارس که مصادف با آغاز سال نو ایرانی بود "شب ایران" آغاز شد. در این شب پس از نمایش اسلایدهایی از زندگی زحمتکشان و بخصوص کودکان ایرانی، دو مقاله آماری و افشاگرانه در رابطه با وضعیت آموزشی، اختناق، شکنجه زندانیان و جنگ ایران و عراق خوانده شد که مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت.

در شب آخر این هفته (شب صلح و دوستی بین خلقها) برای مسؤولین برگزاری "هفته" پیامهایی، از جمله از فدائیان خلق در ماری رسید. در این پیام آمده بود "ما برگزاری موفقیت آمیز این هفته را به شما تبریک می گوئیم و برایتان در امر همبستگی بین المللی و دوستی بین خلقها که ابتکار برگزاری این هفته خود نشانه ای از آن است آرزوی موفقیت می کنیم..."

قطعنامه سازمان زنان فلیپین

در کنفرانس ملی سازمان زنان فلیپینی که با حضور هیئت هایی از سراسر این کشور برگزار گردید قطعنامه ای در اعلام همبستگی با مبارزات زنان جهان از جمله ایران صادر شد. در این قطعنامه آمده است: "ما همبستگی خود را با زنان سراسر جهان که مبارزه خود را جهت بدست آوردن آزادی ملی، دموکراسی، خلع سلاح، صلح، علیه تبعیض بر پایه نژاد، جنس و علیه همه شکلهای استثمار و بی عدالتی ادامه می دهند، اعلام می داریم.

ما پشتیبانی خود را از:

- زنان و زندانیان سیاسی در ایران
- زنان و کارگران در کستاریکا
- زنان آفریقای جنوبی به رهبری آلبرتینا سیسولو که دستگیر شده است
- زنان شیلی، نیکاراگوا، السالوادور، کواتمالا، اوروگوئه و آرژانتین
- زنان لبنان
- اعلام می داریم."

رهبران اتحادیه های کارگری پاکستان

خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند

حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی بخاطر اعمال اختناق و کشتار و شکنجه نفرت روز افزون کارگران و زحمتکشان جهان را علیه خود برانگیخته است. رهبران اتحادیه های کارگری کارخانه های ایالت پنجاب پاکستان، با تأیید برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، حمایت بیدریخ خود را از این فرزندان انقلابی خلق که زیر وحشیانه ترین شکنجه های جلاخان جمهوری اسلامی قرار دارند اعلام نموده و خواهان آزادی آنان شدند.

در ضمن از سوی مسؤولین "سازمان نوجوانان" و "انجمن رفاه نوجوانان" در لاهور نیز بازندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی شد.

جشن روز جهانی زن در تورنتو (کانادا)

جشن روز هشتم مارس، روز جهانی زن در کانادا با حضور رفیق انجلا دیویس، عضو کمیته مرکزی حزب

مسابقه کشتار، هنوز هم ادامه دارد

همه اظهارات مقامات رژیم در هفته گذشته و تفسیرهایی که پیرامون سفر خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران و بغداد نوشته شد، حاکی از آنند که هنوز دورنمای روشنی برای پایان یافتن مسابقه کشتار، بین حکومت‌های خمینی و صدام پدیدار نشده است. میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی در دیدار روز دوشنبه ۱۹ فروردین با خاویر پرز دو کوئیار مدعی شد که رژیم متبوع وی می‌تواند این مسابقه را تا "پیروزی نهایی" ادامه دهد و طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق در حین بدرقه دبیرکل سازمان ملل در فرودگاه بغداد گفت "جنگ ادامه خواهد یافت." دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از سفر به پایتخت دو کشور اظهار داشت که: "ما بسیار مواظبیم انتظاری را بر نیاکنیم و این احساس را به وجود نیآوریم که پیشرفتی صورت گرفته است."

همه مقامات جمهوری اسلامی در اظهار نظرهای خود حول و حوش این سفر، باز حرف‌های همیشگی خود را تکرار کردند. خامنه‌ای نخستین شرط ترک محاصره را سقوط صدام دانست، رفسنجانی از موشک‌های دقیق‌تر و کارآتری که آماده شلیک به سوی بغداد هستند، سخن گفت و در نماز جمعه هفته پیش نیز بر شروط همیشگی رژیم برای پایان جنگ تأکید کرد و ولایتی وزیر امور خارجه، در هنگام مشایعت خاویر پرز دو کوئیار به خبرنگاران اظهار داشت که شرایطی همان است که از اول گفته ایم، ما تا پیروزی نهایی به مبارزه خود ادامه می‌دهیم. خمینی نیز هم چنان که می‌دانیم در آستانه هفته پیش تأکید کرده بود که "ما تا آخر با صدام مبارزه می‌کنیم و به حرف‌های منحرفین، اعتنایی نخواهیم کرد." البته در میان این همه های وهوی نباید این سخنان هفته گذشته طارق عزیز، وزیر امور خارجه صدام بعد از ملاقات با دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز از نظر دور داشت که گفت: "سران رژیم ایران در ملاقات‌های خصوصی حرف‌هایی را می‌زنند که با موضع رسمی‌شان نمی‌خواند. در هفته گذشته اگر چه جنگ شهرها به نحو محسوسی فروکش کرد، اما احتمال از سرگیری دوباره

بمباران تهران و بغداد و شهرهای دیگر دو کشور، با شدت هفته‌های پیش، هم چنان وجود دارد.

جمهوری اسلامی اگرچه بیش از هر هنگام دیگری ناچار گشته است به طور جدی به فرجام کار خویش بیندیشد اما به هیچ وجه از شدت تبلیغات خود حول شعار خانمان برانداز "جنگ، جنگ، تا پیروزی" نکاسته و هم چنان در این جهت تلاش می‌ورزد. آن چه که اکنون دست جمهوری اسلامی را بسته و این رژیم مرتجع جنگ افروز را در تنگنا قرار داده است فشار مردم، محدودیت‌های عینی برای حملات وسیع و فشارهای بین‌المللی است. در این میان فشار مردم که بر خواسته مبرم قطع فوری جنگ تأکید می‌ورزند، برجستگی ویژه‌ای دارد. تظاهرات ۲۱ فروردین محله ۱۲ آبان یک اخطار جدی است. بیهوده نیست که عوام فریبی و تبلیغات سر اهداروغبین در این مورد که مردم خواهان جنگند "در سخنرانی‌های اخیر رهبران رژیم جای خاصی یافته است. هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه ۱۶ فروردین وقیحانه مدعی شد که "مردم خودشان دنبال جنگ هستند و بیش از آنچه که مسئولین کشور به جنگ فکر کنند، مردم فکر می‌کنند و اگر روزی ما مرد جنگ نباشیم، مردم ما را کنار می‌گذارند و خودشان می‌جنگند!"

سرکردگان رژیم جنگ افروز ضد مردمی خمینی که در کاخهای بزرگ شمال تهران پناه گرفته اند تانه فقط از بمب‌های هواپیمای عراقی که پخش از آن از لیبیب خشم مردم در امان بمانند، با اینگونه اراجیف نشان می‌دهند که در عیش ویرانی و کشتار می‌سوزند آنها برآنند که تا هر زمانیکه بتوانند کوشان را بر بندند تا به فریاد مردم که به صد زبان، برخواستن مبرم صلح تأکید می‌کنند، وقعی ننهند. این امر بر شدت عقوبت آنها افزوده می‌کند.

هیچ ناشنوایی، ناشنوتر از آن کسی نیست که نمی‌خواهد بشنود. تاریخ همواره سخت‌ترین عقوبت خود را به این گونه "ناشنوایان" اختصاص داده است.

سعادت باری بود. ولی اکنون وضعیت بگونه‌ای دیگر است. رژیم جمهوری اسلامی ایران زنان را مورد فشار قرار می‌دهد. کمونیستها را دستگیر و زندانی می‌کند.

اما انقلاب ایران باید ادامه یابد و ما از این مبارزه پشتیبانی می‌کنیم" از سوی فدائیان خلق ایران (اکثریت) - کانادا پیامی خطاب به این گردهمایی ارسال شد.

توضیح:

در شماره ۵۰ اکثریت برخی کلمات غلط‌تایپ شده است که بدینوسیله تصحیح می‌شود.
دو صفحه دوم ستون اول پاراگراف سوم بجای "بیاتر" سازمانگر تایپ گردید. در مقاله کشتار در بن‌بست جنگ در صفحه ۶ "مهرالوهیژه" حورالوهیژه نوشته شد. در همین مقاله در ستون دوم پاراگراف ماقبل آخر بجای "تفسیر" قید تایپ گردید.

مصاحبه "اکثریت" با رفیق تیسیر عضو

دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بقیه از صفحه ۹

بخش و الصاعقه می‌باشد. مشخصه عمومی این اتحاد برخورد تند و چپ روانه با مسائل و مشکلات درونی صاف است.

ما بعنوان اتحاد دموکراتیک مبارزات سخت و طولانی برای حفظ وحدت درونی صاف را پشت سر گذاشتیم.

گفتگوی ما با رهبری الفتح چندین ماه بطول انجامید که در پی آن و با کمک رهبران دو کشور یعنی دموکراتیک و الجزایر، پیمان عدن بین ما به امضا رسید. در آن زمان این پیمان برنامه سالمی برای ایجاد وحدت در درون جنبش فلسطین بود. این پیمان شامل قطع رابطه فوری با مصر، تکیه بر مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، تنظیم مقررات دقیق حساب شده در مناسبات با اردن و انجام اصلاحات مشخص دموکراتیک در بافت "صاف" بود. لیکن رهبری راست که خائنانه در

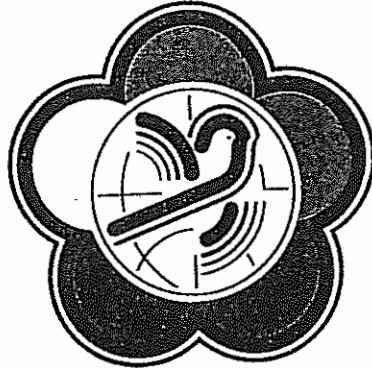
صفوف "صاف" رخنه کرده و به همه موازین انقلابی پشت پازده به تمام مواد این پیمان هم پشت کرد. روابط خود را با مصر ادامه داد و یک جانبه خواهان تشکیل شورای ملی فلسطین شد. آنها همه مصوبات شانزدهمین اجلاس این شورا را زیر پا گذاشتند، به پیمان عدن پشت پا زدند، همه تشکلهای صنفی کارگری، دانشجویی و زنان فلسطینی را به دوپاره منشعب نمودند. برای توجیه گرایش به راست خود و

پلکان قراردادان ما برای رفتن بسوی آمریکا خواهان تشکیل اجلاس شورای ملی فلسطینی گردیدند و آنها این اجلاس را بصورت غیر مشروع و فقط با شرکت خودشان تشکیل دادند. جالب توجه است که تنها دو پایتخت ارتجاعی عربی یعنی بغداد و مسقط به عنوان محل تشکیل این اجلاس نامزد بودند. هدف این اجلاس چیزی جز پیوستن به محور مصر و عمان و اردن نبود. خطرناک‌تر از همه اینها پیمان اخیر اردنی - فلسطینی است. طبق این پیمان دو نکته اساسی مورد تأکید فلسطینیان یعنی واحد بودن نماینده رسمی آنها در هیات "صاف" و تلاش جهت ایجاد یک دولت مستقل ملی فلسطینی زیر پا گذاشته می‌شود. اردن تبدیل به نماینده اصلی فلسطینیان می‌گردد و بجای کشور مستقل فلسطینی کنفدراسیون تشکیل می‌شود. به این ترتیب رهبری راست‌ترا به اتحاد ارتجاع عرب پیوسته است.

این وضع ایجاب می‌کند که تمام نیروهای فلسطینی در یک جبهه بخاطر شکست دادن این اتحاد گرد آیند. این امر جز از طریق برانداختن طراحان و رهبران این حرکت راست ممکن نیست. دیگر گفتگو با کمیته مرکزی الفتح غیر ممکن شده است مگر آنکه آنها از این هدف دست برداشته، از خود انتقاد کرده و قاطعانه اثر محکوم نمایند. ما در این مرحله سعی داریم که یک جبهه وسیع ملی از تمام قوای ملی و مترقی و شخصیت‌های برجسته ملی برای مبارزه بخاطر برانداختن این پیمان و بازگشت "صاف" به صف نیروهای ملی تشکیل دهیم. آینده "صاف" موکول به این است که تا چه اندازه نیروهای ملی و دموکراتیک اتحاد عمل داشته و از حرکات چپ روانه یا راست روانه حذر کنند. هم اکنون مذاکرات بین اتحاد دموکراتیک و اتحاد ملی پیرامون تشکیل چنین جبهه‌ای جریان دارد.

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان :

میعاد گاه همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی



دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در اوت ۱۹۸۵ در مسکو برگزار خواهد شد. این جشنواره که تجلی مبارزه جوانان جهان در راه صلح، مقابله با سیاست‌های زورمدارانه، استعمار نوین، نژادپرستی، فاشیسم، آپارتاید و هر نوع فشار و سرکوب می‌باشد، شور و شوق گسترده‌ای در جوانان و دانشجویان سراسر جهان برای شرکت در این جنبش وسیع به وجود آورده است. مادر ادامه انعکاس این تلاش جهانی به درج فراخوان خطاب به جوانان و دانشجویان همه کشورهای پیرامون.

هیئت‌های نمایندگان ۱۸۶ سازمان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از ۹۲ کشور جهان که در نخستین نشست کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان - از ۹ تا ۱۱ فوریه ۱۹۸۴ در کوبا- شرکت داشتند فراخوان زیر را خطاب به جوانان و دانشجویان منتشر ساختند:

ما شرکت‌کنندگان نخستین کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان از ابتکار کمسومول لنینی اتحاد شوروی جهت میزبانی جشنواره تابستان سال ۱۹۸۵ در مسکو استقبال می‌کنیم. برابر قرارهای مصوب در نشست، جشنواره با شعارهای "برای همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی" برگزار خواهد گردید.

اینکه ما از جوانان و دانشجویان همه کشورهای دعوت می‌کنیم فعالانه در تدارک جشنواره دوازدهم که طلایه‌دار سنت جنبش جشنواره‌های جهانی و جشنواره هاواناست، شرکت جویند. امروزه که بشریت بیش از پیش در نتیجه سیاست‌های محافل ارتجاعی و نظامیگر در معرض خطر نابودی هسته‌ای قرار گرفته، جوانان و دانشجویان مصرانه خواستار خاتمه مسابقه تسلیحاتی و توقف استقرار موشک‌های هسته‌ای در قاره اروپا و دیگر نقاط جهان می‌باشند.

جوانان و دانشجویان ممنوعیت تولید و نابودی سلاح‌های هسته‌ای و جلوگیری از تولید و تکامل سیستم‌های نظامی امحاء دستجمعی و همچنین خلع سلاح همه‌جانبه در سطح جهانی را طلب می‌کنند. نسل جوان مصمم است به اتلاف منابع عظیم مادی و معنوی در مسابقه تسلیحاتی پایان دهد و آنها را برای حل مشکلات حیاتی مانند فاجعه گرسنگی، فقر و بی‌سوادی که در سطح جهانی گریبانگیر بشریت می‌باشند به کارگیرد.

چهل سال پس از پیروزی بر فاشیسم هیتلری جشنواره جهانی در کشوری برگزار می‌شود که مردم آن در سرکوب فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن سهم برجسته‌ای داشتند. با عبرت از جنگ خانمانسوز جهانی دوم ما بار دیگر بر این واقعیت تاکید می‌ورزیم: ایثار میلیون‌ها انسان ضدفاشیست در کشورهای مختلف که با قربانی کردن خود، این پیروزی سترگ را ممکن ساختند بی‌بوده نبوده است! در اینجا ما میثاق می‌بندیم، با استفاده از تمامی امکانات علیه نظامی‌گری، تجاوز و خطر وقوع یک جنگ فراگیر جدید، مبارزه کنیم.

نسل جوان با سیاست‌های تجاوزکارانه و

تدارک برگزاری باشکوه جشنواره

باموفقیت ادامه دارد

فعالیت‌های گسترده بین‌المللی برای هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در مسکو، هم‌چنان ادامه دارد. اعضای "کمیسیون دائمی" تدارک جشنواره وظیفه پیشبرد امور جاری مربوط به برگزاری جشنواره را برعهده دارند. اعضای این کمیسیون که در سومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره برگزار شده کار خود را از ژانویه ۱۹۸۵ آغاز نموده و تا هنگام برگزاری جشنواره در مسکو اقامت خواهند داشت.

نمایندگان کمیته‌های ملی تدارک از کشورهای زیر در "کمیسیون دائمی" عضویت دارند: الجزایر، آنگولا، آرژانتین، اتیوپی، فنلاند، آلمان فدرال، آلمان دموکراتیک، یونان، فرانسه، هند، ایتالیان، کوبا، بلغارستان، کنگو، شیلی، چکسلواکی، اکوادور، السالوادور، جمهوری دموکراتیک کره، لبنان، نیکاراگوئه، فلسطین، لهستان، پرتغال، کینه بیسائو، پورتوریکو، رومانی، کنگره ملی آفریقا از آفریقای جنوبی، سوریه، اتحاد شوروی، مجارستان، جمهوری دموکراتیک خلق یمین، ویتنام، ایالات متحده آمریکا. هم‌چنین سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زیرنیز در این کمیسیون دارای نماینده می‌باشند:

- اتحادیه سراسری دانشجویان آفریقا

- دبیره جوانان اروپای غربی

- بین‌الملل جوانان لیبرال

- بین‌الملل جوانان سوسیالیست

- اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

- جنبش پان آفریکن جوانان

- فدراسیون بین‌المللی جوانان دمکرات

در سومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک دوازدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان که در اواخر نوامبر ۱۹۸۴ در مسکو برگزار گردید هم‌چنین رئوس برنامه جشنواره به تصویب رسید.

در کنار موضوعات اصلی، درحاشیه جشنواره جلسات گوناگون بحث و مناظره با شرکت‌کنندگان سازمان‌ها و دیگر میهمانان برگزار خواهد شد. تاکنون بر سر جلساتی درباره موضوعات زیر توافق حاصل شده است:

- صلح و خلع سلاح

- همبستگی با خلق‌ها و مبارزه آنان برای دست‌یابی به استقلال، آزادی، دمکراسی و حق تعیین سرنوشت.

- وضعیت اجتماعی جوانان، پی‌آمدهای بحران اقتصادی برای آنان، حدود مشارکت جوانان در امور جاری کشورها.

- مبارزه زنان برای برابری حقوق

- حفظ محیط زیست

برخی سارلوزها و وقایع مهم تاریخی مانند چهلمین سالگرد سرکوب فاشیسم هیتلری، دهمین سالگرد امضای پروتکل‌های هلسنکی برای امنیت و همکاری در اروپا، چهلمین سالگرد تشکیل سازمان ملل متحد و چهلمین سالگرد برتساب بمب اتمی بر هیروشیما توسط ایالات متحده، در مناظره‌ها و بحث‌ها مورد تامل قرار خواهند گرفت.

زورمدارانه، استعمار نوین، نژادپرستی، فاشیسم، آپارتاید و هر نوع فشار و سرکوب عیناً مخالف است. دوازدهمین جشنواره جهانی نمایش پرصلابت همبستگی ضد امپریالیستی با مبارزه عادلانه خلق‌ها و جوانان در آمریکای مرکزی و لاتین، حوزه کارائیب، آسیا، آفریقا، منطقه مدیترانه و خاور نزدیک، برای صلح، آزادی، رهایی ملی، استقلال و پیشرفت اجتماعی خواهد بود. جشنواره بسیاری از جوانان و دانشجویان را به مبارزه برای حل مشکلات رشد کشورها و برقراری یک نظم اقتصادی نوین بین‌المللی جلب خواهد کرد. به اعتقاد ما دوازدهمین جشنواره جهانی پای‌بنی جوانان را به اصول مضمونی پروتکل‌های نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که ۱۹۸۵ دهمین سال امضای آنها می‌باشد، نشان خواهد داد. تدارک و برگزاری جشنواره گام مهمی در راه دستیابی به اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل متحد است که سال ۱۹۸۵ رسال جهانی جوانان اعلام کرده است. هدف عمده اعلام شده عبارتست از تضمین حقوق اساسی جوانان اعم از حق کار، آموزش، درمان، فرهنگ، ورزش و استفاده از دستاوردهای هنر.

ما از جوانان و دانشجویان همه کشورهای سازمان‌های جوانان، دانشجویان و کودکان، تشکل‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی، فرهنگی و سندیکایی در همه قاره‌ها دعوت می‌کنیم با تشکیل کمیته‌های ملی و صندوق‌های کمک مالی، فعالیت تدارکاتی جشنواره را در سطح جهانی آغاز کنند.

همه ما اطمینان داریم جوانان شوروی که در زندگی اجتماعی کشور خود و هم‌چنین در مبارزه و همبستگی در جنبش جهانی جوانان و دانشجویان نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند به نحو شایسته‌ای از عهده میزبانی جشنواره دوازدهم برخوردارند.

به نام سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جوانان و دانشجویان، همه نیروهایی را که ایده انسان‌دوستانه و والای جنبش جشنواره‌های جهانی را می‌پذیرند فرامی‌خوانیم با تمام قوا بکوشند جشنواره دوازدهم به مثابه نمایش اراده راسخ ما برای رسیدن به تفاهم و عمل مشترک، تضمین صلح و آینده‌ای روشن برای نسل جوان برگزار گردد!

زنده باد دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان!

زنده باد همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی!



قطع یکجانبه استقرار موشکهای میان برد در اروپا توسط شوروی

عصر روز یکشنبه موقم آوریل خبرگزاری شوروی تاس گزارش داد اتحاد شوروی از هم اکنون به طور یکجانبه به استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپا پایان می دهد. این خبر طی مصاحبه میخائیل گرباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، با روزنامه پراودا اعلام شد. رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی طی این مصاحبه اعلام داشت: (از امروز اتحاد شوروی مهلت دیگری برای استقرار موشکهای میان برد خود اعلام و انجام اقدامات متقابل در اروپا را قطع می کند. این مهلت تا نوامبر سال جاری خواهد بود. اینکه ما بعد از چه تصمیمی بگیریم، به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده آمریکا از مایپوری خواهد کرد و به استقرار موشکهای میان برد خود در اروپا پایان خواهد داد یا نه.

گرباچف افزود اکنون باید از تصمیماتی که جهان را به سوی فاجعه هسته ای بکشاند جلوگیری کرد. رهبر شوروی گفت هدف مذاکرات با آمریکا در ژنو جلوگیری از آغاز مسابقه تسلیحاتی در فضا و قطع آن در روی زمین است و این اهداف باید اینک تحقق یابد. در مورد مناسبات با آمریکا، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت تحولاتی در این مناسبات دیده می شود، "امانه تغییری بزرگ در مجموع این روابط متشنج مانده است."

در سراسر جهان اقدام یکجانبه اتحاد شوروی بعنوان نشانه ای از حسن نیت و احساس مسئولیت این کشور در قبال امر خطیر حفظ صلح قلمداد گشت. در آمریکا، سناتور دمکرات گاری هارت خواهان قبول پیشنهاد شوروی از سوی آمریکا گردید. بتینوکر کسی نخست وزیر ایتالیا اقدام اتحاد شوروی را نشانه ای از آمادگی برای گفتگو دانست. ۲۸ نماینده کنگره آمریکا در نامه ای به ریگان خواهان قطع آزمایش و استقرار اسلحه های هسته ای میان بر دو استراتژیک و سلاحهای فضایی تا پایان موفقیت آمیز مذاکرات ژنو گردیدند. در مقابل، سخنگوی کاخ سفید اعلام داشت آمریکا به استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپا ادامه خواهد داد.

تظاهرات گسترده جنبش صلح در اروپا

عید پاک امسال نیز چون سالهای گذشته شاهد برگزاری تظاهرات گسترده جنبش صلح اروپای غربی در اعتراض به مشی نظامی گرانه دولت آمریکا و متحدین ناتوی آن بود. در بریتانیا و آلمان فدرال صدها هزار تن از مردم این کشورها علیه سیاست ریگان مبنی بر نظامی کردن فضا و ادامه استقرار موشکهای میان برد در خاک اروپای غربی اعتراض کردند. در آلمان فدرال مجموعاً چهارصد و پنجاه هزار نفر در راهپیمایی های عید پاک شرکت جستند که برخلاف پیش بینی های مطبوعات بورژوایی، بیش از رقم سال گذشته است. راهپیمایی های مزبور، به دعوت

اتحادیه سندیکاهای آلمان، حزب کمونیست آلمان و سایر نیروهای مترقی و صلحدوست این کشور انجام گرفت.

سقوط رژیم نمیری در سودان

همانگونه که در شماره پیش "اکثریت" نیز گزارش نمودیم، ژنرال عبدالرحمان سوارالدهب وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش سودان در راس یک کودتای نظامی جعفر نمیری دیکتاتور این کشور را سرنگون کرده و قدرت را بدست گرفت.

وفادار است. یکی از قراردادهای خارجی رژیم نمیری، با مصر است که پیمانی ارتجائی و تجاوزکار به شمار می رود. همچنین به رهبری سندیکاهای سودان اختار شد در صورت ادامه اعتصابات، رهبران جنبش به اتهام "خیانت" محاکمه خواهند شد. تحولات طوفانی روزهای اخیر در سودان که به سقوط رژیم نمیری انجامید، با شکستن دیوارهای اختناق و سرکوب بدست توانای خلق همراه بود. به محض اعلام خبر برکناری نمیری، مردم خارطوم و سایر شهرهای بزرگ سودان در خیابانها به شادی و پایکوبی پرداختند. در دانشگاه سودان، رهبران سندیکاهای



صحنه ای از جنبش توده ای ضد دیکتاتوری مردم سودان در روزهای گذشته

طی یک گردهمایی به بررسی اوضاع کشور نشستند. در این گردهمایی عمومی، رفیق فاطمه ابراهیم عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان نیز شرکت داشت. وی طی سخنانی خواهان حل دمکراتیک مسائل کشور گردید.

رهبران سندیکاهای در ملاقات چند روز پیش با ژنرال سوارالدهب موکدا از وی خواستند که رژیم نظامی جدید بلافاصله جای خود را به یک حکومت غیر نظامی بدهد.

ناظرین معتقدند تداوم سیاست رژیم گذشته با مقاومت گسترده مردم سودان روبرو خواهد شد.

دستگیری دو بیست تن از مردم صور توسط ارتش اسرائیل

ارتش اسرائیل در ادامه اقدامات خود به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم جنوب لبنان، روز سه شنبه گذشته دست به یک عملیات بگیر و ببند وسیع در بندر صور زده و طی آن، ۲۰۰ تن از اهالی این شهر را دستگیر کرد. نیروهای اشغالگر با چهل تانک و زره پوش وارد این شهر شدند، راههای ورودی به مرکز شهر را بستند و همه مردان را برای بازجویی به مدرسه ای بردند.

در صبح همان روز جنگنده بمب افکن های اسرائیلی به یک روستا واقع در کوهستان شوف در جنوب شرقی بیروت حمله کردند در این حمله چهار غیر نظامی کشته و شش نفر مفقود شده اند.

از سوی دیگر ارتش اسرائیل در ادامه عقب نشینی از جنوب لبنان اردوگاه انصار را که اسرای جنگی فلسطینی و لبنانی در آن بسر می بردند، تخلیه و سپس با خاک یکسان کرد. برخلاف مقرارت بین المللی، هزارتن از اسرا به خاک اسرائیل انتقال یافتند.

کودتای سودان در شرایط اوج گیری جنبش توده ای ضد دیکتاتوری در این کشور انجام گرفت. رژیم نمیری اقتصاد سودان را دچار بحران شدیدی ساخته است. این کشور میلیونها دلار به صندوق بین المللی پول مقروض است و مطابق معمول، این سازمان امپریالیستی برای اعطای وام های بازم بیشتر به سودان، از رژیم خارطوم خواست تا سوبسید دولتی در مورد برخی کالاهای مهم مورد احتیاج عمومی را حذف کند. رژیم نمیری با تن دادن به این شرط صندوق بین المللی پول، قیمت نان و بنزین را افزایش داد. این امر بمثابة چرغی در انبار باروت بود. سودان که از ماهها پیش دستخوش ناآرامی های پراکنده بواسطه اوج گیری مخالفت علیه سیاستهای نمیری بود، به صحنه اعتراضات وسیع و بیسابقه توده ای تبدیل شد. سندیکاهای این کشور اعلام اعتصاب عمومی کردند و بدنبال آن، همه عرصه های زندگی اجتماعی در سودان فلج، و ارتباط این کشور با جهان خارج قطع گردید. درست همزمان با همین تحولات، جعفر نمیری که رژیم او با توسل به خشن ترین شکل سرکوب بر سر قدرت مانده بود، به واشنگتن رفت تا حمایت بازم بیشتر دولت ریگان را از حکومت خود جلب نماید. وی آنچنان به موفقیت این سفر خود اطمینان داشت که پس از ملاقات با رئیس جمهوری آمریکا، گفت: "هیچ کس نمی تواند قدرت را از من بگیرد."

بدنبال تحولات اخیر همه وزرای نمیری دستگیر و سید و پنجاه زندانی سیاسی آزاد شده اند. در میان آزاد شدگان، نام بعضی های چپ و نیز اعضای حزب کمونیست سودان دیده می شود. حزب حاکم نمیری بنام "اتحاد سوسیالیست" و نیز سازمان امنیت مخوف منحل اعلام شد. اعضای سازمان امنیت توسط ارتش خلع سلاح گردیده اند.

از سوی دیگر رهبران تازه سودان اعلام کرده اند این کشور به "قراردادهای بین المللی"

بقیه از صفحه اول

“مسائل انقلاب و مواضع ما”

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز!

بهترین شادبشاهای ما را به مناسبت سالگرد بنیانگذاری حزب برادر، حزب کمونیست عراق به‌پذیرید.

بیش از نیم قرن مبارزه در راه بهروزی و رهایی مردم عراق و علیه امپریالیسم و ارتجاع، حزب شما را به دژ مستحکم جنبش انقلابی کشور مسایه مابدل ساخته است. ما برای مبارزه دلیرانه ای که حزب شما همراه با متحدینش علیه رژیم استبدادی و سفاک کنونی عراق و در راستای برقراری صلح و برپائی حکومتی ملی-دمکراتیک پیش می‌برد آرزوی پیروزی می‌کنیم.

بشتیبانی پیگیر و بیدریغ شما از جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، جلوه‌ای از همبستگی پرشور میان نیروهای مردمی و مترقی دو کشور است. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق (منعقد در تموز ۱۹۸۴) با صدور پیام همبستگی برای کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مناسبات والای فیما بین گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر دو کشور را به نمایش گذاشت.

مناسبات دیرینه میان حزب شما و سازمان ما همواره برایمان گرانقدر بوده است. اطمینان داریم که این مناسبات بر پایه اعتقاد مشترک به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری گسترش بازم بیشتری خواهد یافت.

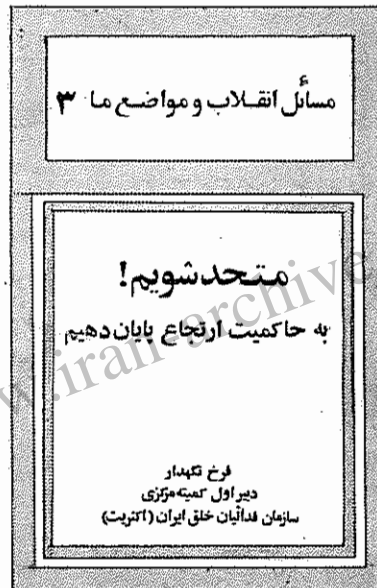
با گرمترین درودهای رفیقانه

و با ایمان به پیروزی خلقهای ایران و عراق

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

این هدف که هر یک دیگران را به صلاحیت وی ونفی صلاحیت خود برای رهبری انقلاب و ادارا سازد عملاً مانع اتحاد نیروهای مترقی کشور و تکوین تنها آلترناتیو مطمئن برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است. اینگونه مشاجرات تفرقه انگیز است. دربخشی از این نوشته به وظایف تازه نشریه اکثریت نیز اشاره گردیده و گفته شد:

“نشریه اکثریت که تا این اواخر از طرف تشکیلات هواداران سازمان انتشار می‌یافت، اکنون تحت نظارت کمیته مرکزی و به نام نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور منتشر می‌شود. این نشریه اکنون به یک نشریه مفتکی موثر تبدیل شده و در انعکاس رویدادهای ایران برای میلیونها ایرانی مقیم خارج و انتشار مواضع و فعالیت سازمان نقش فعال بر عهده گرفته است.”



منتشر شد

استراتژیک تا چه حد است؟
* نظر شما نسبت به موافقت نامه امان و تحولات اخیر در لبنان چیست؟

در مقدمه سومین شماره "مسائل انقلاب و مواضع ما" پیام رفیق فرخ نگهدار به مردم ایران به مناسبت نوروز درج شده است. دربخشی از این پیام تاکید شده است که:

"عمر این رژیم خائن زیاد نخواهد پایید. اینها مثل آریامه‌ریان سرانجام به گورسپرده میشوند. رژیم خمینی بهر حال دیرتر یا زودتر رفتنی است."
رفیق فرخ نگهدار در پاسخ به این پرسش که نظر شما در مورد خمینی چیست؟ اظهار داشت:

"... او از اعتماد مردم سو استفاده کرد. او خائن به انقلاب و خائن به میهن است. او پس از اینکه قدرتش تحکیم شد راه خود را عوض کرد، با دشمنان مردم بیعت کرد و به روی پاک‌ترین فرزندان خلق تیغ کشید. امروز در ایران چه کسی را می‌توان یافت که از او منفرتر باشد؟..."

در بخش بعدی به تفصیل درباره سیاست و تاکتیک امپریالیستها در ایران بحث شده دربخشی از آن می‌خوانیم:

"محور اساسی سیاست امپریالیسم در مرحله کنونی نسبت به ایران جلوگیری از ایجاد یک آلترناتیو قوی و یکپارچه و کار آمد دموکراتیک و ملی، یعنی جلوگیری از تقویت و تحکیم مناسبات میان نیروهای مترقی ضد رژیم است. امپریالیسم تمام نیروی خود را به کار می‌گیرد تا در لحظه ای که به علت تشدید بحران در بالا و پائین امکان جابجائی قدرت پدید می‌آید، قدرت ملی دمکراتیک در ایران فلج و درگیر مسائل درونی خود باشد و امکان کسب قدرت توسط آن در حد اقل ممکن قرار گیرد."

در نوشته تازه دبیر اول سازمان ما مسئله مناسبات و مسائل میان نیروهای مترقی موشکافانه بررسی شده و خاطر نشان گردید که:

"مناقشه میان نیروهای اپوزیسیون مترقی با

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

رفیق مصطفی از امریکا

تأمین کرده است

هدیه رفقای دهلی به مناسبت سالگرد

تولد سازمان رسید

هدیه نقاش و هنرمند هندی به سازمان رسید

AKSARIYAT

NO. 52

MONDAY APR. 15, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

کمهای مالی رسیده

کمک مالی از بیلفلد (آلمان فدرال) ۰۲-۱ مارک
رفیق فرخ از مونستر (آلمان فدرال) ۷۰-۱ مارک
پ.ن. از فرانتفورت (آلمان فدرال) ۴۰-۱ مارک
سندیکای جوانان و ترا ۳۰-۱ مارک
کمک مالی از مونیخ ۱۱-۱ مارک
رفیق بابکی از دارمشتات (آلمان فدرال)
کمک مالی به کار ۱۰۰-۱ مارک
کمک مالی از کیل (آلمان فدرال) ۲۲۰-۱ مارک
رفیق م.م. از کیل (آلمان فدرال) ۵۰-۱ مارک
رفیق م.م. از کیل (آلمان فدرال) ۱۰۰-۱ مارک
رفیق ق.م. از کیل (آلمان فدرال) ۲۰-۱ مارک

کمک مالی از کسل (آلمان فدرال) ۲۵-۱ مارک
رفیق رهگلر ۲۰۰-۱ مارک
روزبه از هامبورگ (آلمان فدرال) ۲۰-۱ مارک
دوستان سوئیسی ۴۰-۱ دلار
کمک مالی از اتریش برای "کار" ۵۴-۱ شیلینگ
کمک مالی از اتریش برای "اکثریت" ۲۰۳-۱ شیلینگ
ی. امید یک سکه بهار آزادی
آذر از گوتینگن (آلمان فدرال) ۲۵۰-۱ مارک
پ.ن. از فرانتفورت ۲۴۷-۱ مارک
پ.ن. از فرانتفورت ۴۰-۱ مارک
ستاره امید از انخلستان ... (پوند)

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!